



مسائل جناحی در مجلس خبرگان جایی ندارد

صادق

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و دوم | شماره ۱۱۲۲ | دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲ | ۴ جمادی الثانی ۱۴۴۵ | ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳ | ۱۶ صفحه

فتح الله پریشان
سلطه جویی ممنوع



سیدحسین خاتمی خوانساری
عمل به کلام وحی



ثمانه اکوان
جنگ در مرزهای آمریکا



جورچین جنگ شناختی

علی حیدری

سردبیر



سال هاست که موضوع فساد در ابعاد گوناگون و مقابله با آن به یک موضوع بسیار مهم در کشورهای جهان تبدیل شده است. مصادیق فساد هم گوناگون هستند و هر یک از آنها به تنهایی می توانند به چالشی اساسی برای یک نظام سیاسی یا یک جریان و گروه سیاسی تبدیل شوند. آنجا که افشای دربار فساد سیاسی، اقتصادی و اخلاقی یک شخصیت سیاسی، مسئول دولتی یا نامزد انتخاباتی در یک کشور می تواند حتی به پایان حیات سیاسی آن شخص بینجامد.

با وجود تشکیل کنوانسیون در سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد - که مانند برخی سازمان ها و کنوانسیون های دیگر بدون اثر و به اصطلاح بی خاصیت هستند - اقدامات هر یک از کشورها در بخش سیاست ها، راهبردها و نظامات داخلی شان برای این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این سطح توجه به موضوع پیشگیری و جلوگیری از بروز و ظهور فساد، به ویژه فساد مالی و اقتصادی بسیار مهم است. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که فساد به مثابه یک بیماری است و به حتم پیشگیری از آن مهم تر از درمان است.

در همه کشورهای دنیا، نهادها و سازمان هایی وجود دارند که کارشان مراقبت و صیانت برای عدم ارتکاب جرم و شکل گیری فرآیند فساد در بخش های گوناگون است. بسته به فضای سیاسی و اجتماعی جوامع گوناگون، نقش نظارتی افکار عمومی و مطالبه گری عمومی بر صاحب منصبان، دولتمردان و مدیران هم در این موضوع سهم و نقش خاص خود را دارد.

نگاهی به روند مقابله با پدیده فساد و آمارها و رده بندی های جهانی نشان می دهد، همه کشورها از جوامع توسعه یافته غربی تا جوامع کمتر رشد یافته یا درگیر مسائل و بحران های گوناگون، در موضوع فساد با چالش هایی مواجه هستند و تغییر رتبه های برخی کشورهای غربی و نزول جایگاهشان در موضوع مقابله با این پدیده شوم نشان می دهد، کشورهای اروپایی و غربی نه تنها از این قاعده مستثنی نیستند؛ بلکه در روند کاهش و افزایش فساد دچار ضعف های جدی هم هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، پر واضح است که در قبح مسئله فساد در همه ابعاد آن جای هیچ شک و تردیدی نیست و آشکار شدن فساد حتی در کوچک ترین ابعاد زبینه نظام اسلامی نیست، اما به طور طبیعی در همه جوامع افرادی همواره به دنبال سوء استفاده از فرصت ها و موقعیت ها هستند تا با دست درازی به اموال عمومی، منافع شخصی خود را تأمین کنند.

از همین رو نظام اسلامی پس از دهه اول - که دوران تثبیت و مقابله با بحران های امنیتی و تجاوز خار جی بود - در میانه دهه ۷۰ با ظهور و بروز اشکالی از فساد اقتصادی، بدون هیچ ملاحظه ای به مبارزه با آن برخاست. از آن سال ها تا کنون با گذشت حدود سه دهه، نشانه های این اصل اساسی و راهبرد تغییر ناپذیر در برهه ها و مقاطع گوناگون هویدا شده و رهبری معظم انقلاب و کارگزاران نظام، به ویژه دستگاه های نظارتی و قوه قضائیه به آن حساسیت ویژه ای داشته اند و با مجرم در هر سطحی برخورد و نسبت به احقاق حق مردم و اعاده اموال و دارایی ها به بیت المال اقدام کرده اند.

مرور پرونده های رسیدگی شده در محاکم قضایی در این مقال نمی گنجد، اما از دادگاه های فاضل خداداد، مرتضی رفیق دوست، غلامحسین کرباسچی و شهرام جزایری در دهه های گذشته تا رسیدگی به پرونده های بابک زنجانی، مه فرید خسروی، محمدرضا رحیمی و حمید بقایی و... در ۱۰ سال اخیر نشان دهنده رویکرد پیش گفته جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد است. آخرین مورد هم اختلاس در موضوع چای بوده که نهاد نظارتی دولت اولین جایی است که تخلفات صورت گرفته را رصد کرده و اقدامات لازم را انجام داده و در آخر هم پرونده در مسیر مراحل قضایی قرار گرفته است و مطالبه مردم هم برخورد جدی با عوامل تخلف و اعلام آن به افکار عمومی است تا از این رهگذر اعتماد عمومی به ساختارهای جمهوری اسلامی افزایش یابد.

این نشان می دهد، با وجود تبلیغات رسانه ای جریان معاند و دشمنان ملت ایران، نه تنها فساد در ایران سیستمی نیست؛ بلکه برخورد با این پدیده در اولویت برنامه های نظام اسلامی است.

اما نگاهی به این پدیده در قالب پروژه جنگ شناختی نشان می دهد، انگار سازی برای فساد فراگیر در کشور جزئی از جورچین طراحی شده از سوی دشمنان است و موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، هر یک در راهبرد مقابله ای دشمنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یک روز بهانه سیاه نمایی و تخریب چهره نظام اسلامی، موضوع حجاب و انتشار دروغ بزرگی به نام کشته شدن مهسا امینی است، یک روز دیگر سوار شدن بر موج رسانه ای به بهانه فساد در فلان بخش است تا از این نمذ کلاهی برای خود بیافند.

این مسئله ضرورت هوشیاری بیشتر در مواجهه با شگردهای رسانه ای دشمن را می طلبد و نقش تبیین بهنگام و گره گشایی از اذهان و افکار را برای صاحبان سخن و جهادگران تبیین گوشزد می کند.

نگاهی به آخرین ساخته ایدئولوژیک کمپانی هالیوود

تطهیر دراماتیک!

۱۳
سینما

«اوپنهایمر» تابستان امسال همزمان با هفتاد و هشتمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی اکران شد. آمریکایی ها آنقدر نسبت به این جنایت جنگی راحت و خوش هستند که نام بمب اول را که روی سر مردم هیروشیما افتاد، «پسر کوچک» و نام بمب دوم را که بر ناکازاکی افتاد، «پسر بزرگ» گذاشته اند! آنها هیچ گاه از این قتل عام ابراز پشیمانی و شرمندگی نکردند

فیلم با تصویری زیبا و شاعرانه از بارش باران و بلافاصله نمای نزدیک از پایین به بالا از چهره «جولیوس رابرت اوپنهایمر» فیزیکدان و پدر بمب هسته ای شروع می شود. این شروع بارانی بر تطهیر قهرمان فیلم دلالت دارد

جای سؤال است که سینمای ایران چه می کند و کجای این تاریخ ایستاده است؟ چرا هیچ کس برای دانشمندان هسته ای ما که اتفاقا علم و نبوغ شان در خدمت صلح و انسانیت است، چنین فیلم هایی نمی سازد. شاید «اوپنهایمر» درس عبرتی هم برای سینماگران ایرانی باشد که کاربرد سینما در جامعه و نظام بین الملل را بهتر درک کنند

برخی از رسانه‌ها از مذاکره تعدادی از اعضای جبهه اصلاحات با بهزاد نبوی برای فعال کردن یک کارگروه ویژه در این جبهه خبر دادند. طی هفته‌های اخیر عدم حضور افرادی همچون حسین مرغشی از حزب کارگزاران سازندگی و الیاس حضرتی از حزب اعتماد ملی در جلسات جبهه اصلاحات منجر به عیان شدن شکاف در این جبهه شده است. آنها تأکید دارند رمز موفقیت اصلاح‌طلبان رسیدن به یک ایده و یک راهبرد و بروز دادن صدای واحد از جبهه اصلاحات است. سران جبهه اصلاحات با بیسان اینکه در شرایط کنونی شکاف در اصلاحات به صلاح نیست، از بهزاد نبوی خواسته‌اند تا به منظور ایجاد همدلی در میان طیف‌های مختلف جریان اصلاحات یک کارگروه ایجاد کند تا شاید بتوان با ریش سفیدی شرایط حضور دوباره انشعاب‌هایی چون حزب کارگزاران را در جبهه اصلاحات فراهم آورد.

محمدرضا باهتر با اشاره به اینکه رهبر معظم انقلاب متفاوت از هر سال، امسال بسیار زودتر مسئله انتخابات مطرح کردند، گفت: «باید برای تحقق مشارکت تلاش کنیم.» دبیرکل جامعه مهندسی‌های هم‌چنین با تأکید بر اینکه اصولگرایان به دنبال ایجاد وفاق هستند، گفت: «پنج گروه در جبهه اصولگرایی آمادگی خود برای حضور و ارائه لیست در انتخابات را اعلام کرده‌اند و در این بین سهم‌خواهی به انتلاف و وحدت اصولگرایان آسیب می‌زند و امیدواریم با کمک همه احزاب و تشکلات فعال حوزه اصولگرایی بتوانیم از این اتفاق جلوگیری کنیم.» وی با تشریح و تحلیل عملکرد اصلاح‌طلبان در انتخابات پیش رو یادآور شد: «اصلاح‌طلبان به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ عده‌ای از آنها به تحریم انتخابات اعتقاد دارند؛ اما عده‌ای دیگر حیات خود را وابسته به حضور در انتخابات و مشارکت می‌دانند. مطابق اخبار واصله، آنها تا حدودی در تهران به یک لیست واحد رسیده‌اند و این می‌تواند اصولگرایان را نسبت به لزوم وحدت هوشیار سازد.»

طهمان نظیف سخنگوی شورای نگهبان در جمع دانشجویان در پاسخ به این پرسش که چرا شورای نگهبان انتخابات را مهندسی می‌کند؟ گفت: «شورای نگهبان ناظر بر انتخابات است و نه مجری و اگر سال‌های بعد از انقلاب را بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که دولت‌های متفاوتی روی کار آمدند که از جریان‌های سیاسی مختلفی بوده‌اند، درباره مجالس نیز همین‌گونه است. آنچه موردنظر شورای نگهبان است، عمل بر اساس قانون است؛ ما اصلاً نگاه سیاسی، حزبی و سلیقه‌ای به افراد نداریم و به افراد فارغ از خاستگاه سیاسی آنها نگاه می‌کنیم و اتفاقاً همه‌جا علیه شورای نگهبان حاکی از این است که بین افراد جریان‌های سیاسی، برخی رد و برخی دیگر تأیید شده‌اند؛ نگاه شورای نگهبان این نیست که بین جریان‌های سیاسی توازن برقرار کنیم.»

مسائل جناحی و حزبی در مجلس خبرگان جای ندارد

با نزدیک شدن به انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری که به طور هم‌زمان با دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه امسال برگزار خواهد شد، آرایش سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی معطوف به رقابت انتخاباتی در حال شکل‌گیری است. هر یک از جریان‌های سیاسی کشور مبتنی بر تحلیل خود از وضعیت سیاسی کشور، برنامه‌ریزی مستقلی برای موفقیت در انتخابات آتی دارند. در این میان، شناخت جایگاه مجلس خبرگان رهبری در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی و ساختار آن می‌تواند اهمیت بیش‌ترین مجلس را آشکار کند؛ از همین رو به گفت‌وگو با «حجت‌الاسلام و المسلمین محمد ابوالقاسمی» نماینده مردم زنجان در مجلس خبرگان رهبری نشستیم که در ادامه تشریح آن را می‌خوانید.

حسن نوروزی

خبرنگار



ابتدا درباره جایگاه مجلس خبرگان رهبری و وظایف آن توضیح مختصری دهید.

مجلس خبرگان از ابداعات امام خمینی (ره) است که در کشور دیگری به این شکل سابقه ندارد. در واقع، مجلس خبرگان یکی از ظرفیت‌های عظیم جمهوری اسلامی است که محل تلاقی دو جریان جمهوریت نظام و اسلام است. خب نظام ما نظام جمهوری اسلامی است که در عین تکیه بر منابع اسلامی و حاکمیت اسلام، رأی مردم را هم در تمامی ارکان حاکمیت دخیل می‌داند و لذا مدل حکومت ما جمهوری اسلامی است. این مسئله در عالی‌ترین رکن مدیریت کشور، یعنی رهبریت جامعه هم جاری است. بنابراین، مجتهدانی که در عرصه مجلس خبرگان قدم می‌گذارند، نه تنها از منابع اصیل اسلامی آگاهی کامل دارند؛ بلکه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هم تسلط کافی دارند. نکته‌ای که درباره وظایف مجلس خبرگان وجود دارد، این است که منحصر به انتخاب رهبر نیست؛ بلکه برای مجلس خبرگان یک سری وظایف در قانون اساسی ذکر شده و برخی از وظایف هم از سوی رهبر معظم انقلاب به مجلس خبرگان واگذار شده است. آن وظیفه‌ای که در قانون اساسی وضع شده، نگاه به شرایط رهبر است و مجلس خبرگان تضمین‌کننده بقای شرایط رهبر است. خود این مسئله دو وظیفه بر دوش اعضای مجلس خبرگان قرار می‌دهد؛ یک وظیفه سلبی و دیگری وظیفه ایجابی. وظیفه سلبی در جایی است که وقتی همه فهمیدند شخص رهبر فاقد شرایط رهبری است، موظفند رهبر جدیدی را معرفی کنند. وظیفه ایجابی آنها این است که وقتی شبهات و سؤال‌هایی در اذهان مردم درباره رهبر معظم انقلاب شکل گرفت، آن شبهات را با پاسخ‌های قانع‌کننده برطرف کنند.

بنابراین، اعضای مجلس خبرگان باید کسانی باشند که اجتهاد، مدیریت، مدیریت، شجاعت و رویکرد فعالانه داشته باشند تا بتوانند در حادثه‌ای که بار شبهات سنگینی می‌کند، تمام آن شبهات را به بهترین شکل ممکن پاسخ دهند. بنابراین، «تبیین» یکی دیگر از برنامه‌های مجلس خبرگان است. رهبر معظم انقلاب برای فعال‌تر شدن و ارتباط بیشتر نمایندگان مجلس خبرگان با مردم و وظیفه رصد حرکت کلان انقلاب، هماهنگ کردن جریان کلی حاکمیت، بیان نقاط ضعف احتمالی و ارائه راهکار برای برطرف شدن مشکلات را به مجلس خبرگان داده است. در اینجا مجلس خبرگان باید یک هیئت اندیشه‌ورزی تشکیل بدهد و جریان‌های کلان کشور را رصد کند و ببیند که ما چقدر به شعارهایی که در اول انقلاب مطرح کردیم، نزدیک شده‌ایم و چقدر فاصله گرفته‌ایم و اگر نزدیک شده‌ایم، نقاط قوت‌مان چه بوده که آنها را تقویت کنیم و اگر فاصله گرفته‌ایم، نقاط ضعف‌مان را شناسایی و برطرف کنیم. فرمایش رهبر معظم انقلاب این بود که نمایندگان مجلس خبرگان در قالب یک هیئت اندیشه‌ورز بر رصد حرکت کلی انقلاب و پی بردن به آسیب‌های احتمالی راه‌حالی برای برطرف شدن این آسیب‌ها پیشنهاد کنند و مطالباتی را از بخش‌های گوناگون کشور داشته باشند.

در دوره اخیر، شاهد حضور چهره‌های مجتهد جوان در مجلس خبرگان بوده‌ایم؛ حضور چهره‌های نو و جوان‌گرا چه اهمیتی دارد و چه تأثیری در پویایی و عملکرد این مجلس خواهد داشت؟

پیشنهاد من این است که با توجه به وظایف گوناگونی که بر دوش مجلس خبرگان است و هر یک اقتضای خاص خودش را دارد، باید هم از چهره‌های برجسته و سابقه‌دار و باتجربه استفاده کنیم و هم از نیروی جوان و با نشاط و پویا بهره ببریم. لذا بنده معتقدم مجلس خبرگان باید ترکیبی از چهره‌های باتجربه و جوان‌های دغدغه‌مند و بانگیزه باشد؛ چرا که هر یک در جایگاه خود می‌توانند ایفای نقش کنند. بنابراین وجود هر دو قسم در مجلس خبرگان لازم و ضروری است. البته تعداد جوانان مجلس خبرگان کمتر از مقدار مورد نیاز است و شاید لازم باشد تعداد بیشتری از جوانان که



انگیزه بیشتری برای انجام فعالیت دارند، حضور پیدا کنند. اگرچه بزرگان و افراد دارای اعتبار بالا که در نگاه مردم کشور جایگاه رفیعی دارند، وجودشان در مجلس خبرگان لازم و ضروری است.

حضور احزاب و جناح‌های سیاسی در انتخابات خبرگان را چطور ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به نخبگانی بودن مجلس خبرگان چگونه فعالیت چهره و جناح سیاسی قابل جمع است؟

مجلس خبرگان چون با اسلامیت نظام سر و کار دارد و باید با هر بهر که اصلی‌ترین رکن کشور است، کنش کند، نباید در معرض گریش‌های سیاسی و بازی‌های حزبی قرار بگیرد. بنابراین، من معتقدم اساساً جناح‌های سیاسی در مجلس خبرگان جایگاهی ندارند. اینجا به خلاف مجلس شورای اسلامی که فهرست‌هایی را ارائه می‌دهند یا در ریاست جمهوری از جناح خاصی حمایت می‌کنند تا به الان به صورت کلی و پراکنج چنین اتفاقاتی رخ نداده است. معمولاً بزرگان حوزه جامعه مدرسی می‌آیند بعضی از اشخاص تر از تأیید می‌کنند که نوعاً هم مردم و متدینان به این افراد اعتماد می‌کنند و به آنها رأی می‌دهند. اگر چه انتخاب، انتخاب آزاد است و آنهایی هم که در فهرست جامعه مدرسی قرار نگرفتند، صلاحیت دارند و مردم می‌توانند به آنها رأی بدهند؛ اما در هر صورت مسئله جناحی و حزبی و گرایش‌های خاص سیاسی در مجلس خبرگان جای ندارد و نباید هم جایی داشته باشد. در حقیقت، باید جایگاه رهبری مصون از این جناح‌بندی‌ها باشد؛ چون رهبر پدر امت است و مردم باید فکر کنند زین چتر این رهبر جایی برای آنها هست. حال اگر این رهبر از یک جناح و حزب باشد و با بقیه احزاب کاری نداشته باشد، به دور از شأن رهبری یک جامعه است.

نظارت بر اعضای مجلس خبرگان چگونه است؟ آیا بر این نظارت سازوکاری وجود دارد؟ در شرایطی که یکی از اعضای مجلس به هر دلیلی و جهات سیاسی و اجتماعی اش را از دست داد، چگونه با وی برخورد می‌شود؟

درباره عملکرد مجلس خبرگان و دیگر مجالس دارای سطوح بالا نمایندگی را به عنوان هیئت رئیسه انتخاب می‌کنند. یکی از شئون هیئت رئیسه نظارت بر حرکت کلان مجلس خبرگان است؛ اما نظارت بر تک تک افراد و شرایط آنها خب این افراد قبل از انتخابات احراز صلاحیت می‌شوند و در گردونه انتخابات وارد می‌شوند. از این رو نظارت بر تک تک این افراد پس از انتخاب متفاوت با قبل از انتخاب می‌شود. هر چند این افراد در هر جایگاهی که هستند، در نظارت عموم مردم هستند؛ چون اعضای مجلس خبرگان در بین مردم هستند و مردم ناظر بر عملکرد این افراد هستند. درست هم همین است که بهترین و عالی‌ترین مرتبه نظارت را خود مردم بدانیم؛ چرا که مردم به آن کسی در انتخابات آتیه رأی می‌دهند که اثرگذاری بیشتری در اسلامیت جامعه و حرکت انقلاب داشته باشند. قاعداً اگر کسی فاقد شرایط باشد، در آیین‌نامه سازوکاری دیده شده است که خود نمایندگان مجلس خبرگان بر اساس

یک جایگاه ملی است؛ یعنی اگر چه منتخب یک استان هستند، حتی اگر در استان خودشان نباشند، محل مراجعات مردم هستند؛ به همین دلیل ارتباط این نمایندگان با مردم ارتباط همیشگی و دائمی است. حال ممکن است برخی به سبب کهرولت سن یا به سبب مشغله کاری و مسائل امنیتی ارتباطشان با مردم کم باشد که این دست از نمایندگان تعدادشان کم است. اغلب نمایندگان ارتباط پرنگی با مردم دارند.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای خبرگان به صراحت گفتند که اعضای این مجلس باید با مردم به ویژه جوانان در ارتباط باشند و در حوزه جهاد تبیین مسائل را برای نسل نو شرح دهند. در این زمینه چه فعالیت‌هایی انجام شده است؟

تا آنجایی که بنده مطلعم ارتباط خوبی بین نمایندگان جوانان در دانشگاه‌ها، هیئات، مساجد و حوزه‌های علمیه دیده می‌شود. برخی از این نمایندگان در فضای مجازی فعالیت گسترده‌ای دارند، از آنجایی که اغلب استفاده‌کنندگان این فضا جوانان هستند، بنابراین می‌توان گفت ارتباط بین جوانان و نمایندگان حتی در فضای مجازی نیز وجود دارد. فعالیت آنها در فضای مجازی به گونه‌ای است که می‌توان گفت از فعالان رسانه‌ای هستند. همچنین در رسانه‌های دیگر مانند تلویزیون هم این افراد حضور فعالی دارند.

رهبر معظم انقلاب مسئله مشارکت حداکثری در انتخابات را از ضروریات انتخابات پیش‌رو دانستند. در این زمینه و برای تحقق این مطالبه چه اقداماتی انجام شده است؟

مشارکت حداکثری نیازمند فعالیت تبلیغی گسترده و بیان رسالت انقلاب اسلامی و بیان پیشرفت‌های انقلاب اسلامی و جایگاه انقلاب اسلامی و نگاه دیگران و ملت‌های آزاده جهان به ایران است. این موضوعات باید برای قشر جوان تبیین شود و برای این تبیین لازم است نمایندگان مجلس خبرگان در رسانه‌ها و در بین مردم حضور پیدا کرده و حقایق را برای مردم بازگو کنند. آنگاه که مطلع‌عم در این زمینه نمایندندگان جزء برترین‌های جهاد تبیین هستند؛ چرا که با حضور خود در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و رسانه‌ها، ارزش‌ها و خدمات انقلاب اسلامی را بازگو می‌کنند، حتی مواعع و ناکارآمدی‌ها را به خوبی رصد می‌کنند و درصدد برطرف کردن آن‌ها می‌آیند. مشارکت حداکثری به جهاد تبیین نیاز دارد و اگر حقیقت برای مردم آشکار بشود آنها می‌پذیرند. مردم ما انسان‌های منصفی هستند، فقط کافی است که به حرف‌های آنها توجه شود. بنده معتقدم انتخابات این دوره انتخابات پرشوری خواهد بود؛ چرا که مردم ما مردم نجیبی هستند، آنها وقتی ببینند انقلاب به وجود آنها نیاز دارد، پای کار می‌آیند.

نحوه فعالیت و تبلیغات اعضای مجلس خبرگان در ایام انتخابات باید به چه شکل باشد؟

جایگاه معنوی مجلس خبرگان باید حفظ شود. اگر یک نماینده بخواهد برای کسب آرا وعده‌های توخالی بدهد، آن قداسات و وجاهت مجلس خبرگان کنار می‌رود و این به هیچ وجه رویه درستی نیست. الحمدلله این اتفاق در بین نمایندگان مجلس خبرگان رخ نداده است. حتی بنده مطلع‌عم در یک استانی یک نماینده برای نماینده مقابل خود تبلیغات می‌کرد که به این فرد رأی بدهید؛ چون ما آمده‌ایم یک رقابت و مشارکت حداکثری رخ بدهد، ولی این فرد صلاحیت بیشتری نسبت به بنده دارند. اتفاقاً این سبک از انتخابات باید در انتخابات دیگر هم الگو باشد؛ چرا که انتخابات نباید مسابقه‌ای برای دنیا و انتصابات دنیوی باشد. قاعداً این انتخابات از جنس دنیا نیست؛ بلکه مشارکتی است که آغاز مسئولیتی بزرگ برای خدمت به مردم است. بنابراین، اگر کسی در خود این توان را دید که می‌تواند خدمتی به مردم کند، نباید شانه خالی کند. این خدمت هم افتخار است؛ اما آن دوندگی و تلاش برای به دست آوردن یک کرسی اقدام شایسته‌ای نیست.

شفافیت تبلیغاتی و هزینه‌های انتخاباتی مجلس خبرگان چگونه است؟

در قانون انتخابات خبرگان آمده است، اگر هزینه‌های غیرمتمارفی باشد، شخص باید در حضور شورای نگهبان در صورتی که آنها خواستند پاسخگو باشد و هزینه‌های انتخاباتی را بیان کند که از چه راه‌هایی به دست آمده است؛ ولی طبق روال متعارف اعضای مجلس خبرگان به همین تبلیغات رادیویی و تلویزیونی بسنده می‌کنند، شاید کم‌هزینه‌ترین انتخابات، انتخابات خبرگان بوده است، امروز هم همینطور است. اصلاً در آنجا رقابت به آن معنایی که در جایی دیگر شکل می‌گیرد، وجود ندارد. نمایندگان مجلس خبرگان برای به دست آوردن آرا آسرو و دست نمی‌شکنند؛ بلکه خودشان را به اندازه‌ای عرضه می‌کنند که مردم مطلع بشوند تا از ویژگی‌های آنها آگاه شوند، حال اگر مردم اقبال کردند، مسئولیتی روی دوش آنها می‌آید و اگر مردم به آنها اقبال نکردند یک باری از روی دوش آنها برداشته می‌شود؛ یعنی در سطح مجلس خبرگان ارزش‌های بنیادین نظام اسلامی را مشاهده می‌کنیم، بعضی از نمایندگان مجلس خبرگان هیچ اقدامی برای تبلیغ خودشان نکردند. فقط آنها حامیانی داشتند که از این بزرگواران تقاضا می‌کردند که شما باید در این انتخابات شرکت کنید، آنها هم به قدر مطلع شدن مردم اطلاع‌رسانی می‌کردند و هیچ‌گاه هزینه غیرمتمارفی را در این راه خرج نمی‌کردند.

ارتباط نمایندگان با مردم حوزه انتخابیه خود چگونه است؟ آیا با توجه به مشغله بالای برخی از اعضای مجلس خبرگان این ارتباط با مردم کم‌رنگ نمی‌شود؟

تقریباً نیمی از اعضای مجلس خبرگان در استان‌های خودشان ساکن هستند. آنها یا نماینده ولی فقیه در استانند یا سمت‌های دیگری در استان دارند که موجب افزایش ارتباط آنها با مردم می‌شود. برخی از آنها امام جمعه استان هستند؛ یعنی در روز تعطیل بین مردم حضور پیدا می‌کنند و گوش مشکلات آنها می‌شوند. حتی برخی دفتری دارند که محل رفت و آمد مردم است و مشکلات مردم را حل و فصل می‌کنند. طبیعتاً هر یک حضور فعالی دارند. سسایرین که در استان خودشان حضور ندارند، به تباروب به حوزه انتخابی سرکشی می‌کنند و در مناسبت‌های ملی و مذهبی بین مردم حضور پیدا می‌کنند و برای مردم سخنرانی می‌کنند و محل مراجعات مردم هستند. بنابراین، هر یک از این نمایندگان حل مشکلات مردم را وظیفه خود می‌دانند. مضاف بر این، جایگاه مجلس خبرگان

دریادار تنگسیری در اولین جشنواره سردار شهید حاج عبدالله رودکی

ایران مرجع آینده علم در دنیا می‌شود



به مناسبت هفته دانش و پژوهش اولین جشنواره سردار شهید «حاج عبدالله رودکی» در نیروی دریایی سپاه برگزار شد. به گزارش روابط عمومی ندسا، همزمان با هفته دانش و پژوهش اولین جشنواره سردار شهید عبدالله رودکی در ستاد نیروی دریایی سپاه با حضور دریادار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه و جمعی از فرماندهان و مسئولان لشکری و کشوری برگزار شد. فرمانده نیروی دریایی سپاه با اشاره به نامگذاری این جشنواره به نام سردار شهید حاج عبدالله رودکی، گفت: «شهید رودکی نمونه یک پاسدار شجاع و دانشمند بود که نقش مؤثری در دستیابی به علوم و فنون دریایی ایفا کرد.»

سردار تنگسیری با اشاره به این سخن رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) که «علمی با موضوعات برخورد کنید»، اظهار داشت: «حوزه دریا و رزم در دریا مستلزم داشتن علوم خاص و به روز است و این امر نیازمند داشتن پشتکار علمی و تحقیق و مطالعات گسترده و به کارگیری این علوم برای رسیدن به تکنولوژی برتر در سطح دنیاست.»

فرمانده نیروی دریایی سپاه به پیشرفت‌های قابل قبول در توسعه تجهیزات رزمی و دفاعی در کشور اشاره کرد و آن را نتیجه تلاش محققان و دانشمندان حوزه دفاعی و امنیتی نیروهای مسلح کشورمان دانست و این اطمینان را داد که ان‌شاءالله در آینده‌ای نزدیک شاهد این خواهیم بود که کشورمان مرجع علم در دنیا می‌شود.

سردار حسین عیسیایی، سخنران دیگر این جشنواره گفت: «علم نافع علمی است که نتیجه بدهد و برای پاسداری از انقلاب اسلامی مؤثر و مرجع‌ساز باشد، یعنی در لبه دانش حرکت کند و قله دانش را به نمایش بگذارد.»

سردار حسین عیسیایی علم را عامل اقتدار و عزت، استقلال، امنیت و مصونیت و رونق و نشاط جامعه و همچنین لازمه تمدن‌سازی، زندگی دنیایی امروز و ادای حق مردم در عرصه بین‌الملل برشمرد.

دریادار دوم پاسدار احمد راستی، معاون دانش و پژوهش ندسا به عنوان دبیر جشنواره شهید رودکی نیروی دریایی سپاه خاطر نشان کرد: «نیروی دریایی سپاه امروز توانسته است به واسطه استفاده از علم و دانش و پژوهش و به دست آوردن فناوری‌های جدید و منحصراً به فرد در تولید و به کارگیری تجهیزات تخصصی خود سیادت خود را در دریا و آب‌های دور دست اثبات کند.»

پایان بخش جشنواره قدرانی از نفرات برتر، رونمایی از ۱۴ کتاب علمی و پژوهشی ندسا و افتتاح نمایشگاه دستاوردهای جدید نیروی دریایی سپاه در سال گذشته بود.

نماینده ولی فقیه در سپاه شروط تحقق مشارکت حداکثری را مطرح کرد

تبیین ولایتمداری و شرح دستاوردهای انقلاب اسلامی



عکس: حامد گودرزی

کند می‌بوسم. این نوع برخورد ملاک است و هدف خدمت به مردم است.» وی از حضور فعال روحانیون در جهاد تبیین تشکر کرد و گفت: «یکی از اقدامات شایسته در خصوص جهاد تبیین این است که افراد اگر به ایده و خلاقیتی دست یافتند، آن را در اختیار دیگر روحانیون قرار دهند؛ در این صورت است که خوب عمل کرده‌ایم.»

دکتر حاجی صادقی با اشاره به دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب، وظایف امروز روحانیون در جهاد را تبیین کرد و گفت: «سبک زندگی، اخلاق و رفتار اجتماعی از اهم وظایف روحانیون در جهاد تبیین باید باشد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه درباره انتخابات گفت: «آنچه در تبلیغات برای مشارکت حداکثری مهم است، بیان ولایتمداری، ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی است. باید همه بدانیم که هر کجا تابع ولایت بودیم، راه را درست رفته‌ایم؛ در غیر این صورت گرفتار بلایه می‌شویم.» وی با بیان اینکه سپاه ۱۶ اثر در زمینه فقه سازمانی دارد، گفت: «روحانیون سپاه باید از این آثار برای بیان احکام استفاده کنند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی در خصوص ارتباط روحانیون با بسیج گفت: «روحانیون باید بیشتر وقت خود را در بسیج بگذرانند.»

خاطره‌های بیان کرد و گفت: «در جلسه‌ای خدمت رهبر معظم انقلاب بودیم که ایشان از جمله «ما تابع هیچ کس نیستیم و فقط تابع رهبر معظم انقلاب هستیم» گله کردند و گفتند تابعیت باید روی اصول و قاعده باشد؛ در هر موقعیتی که فرمانده دارد باید تابع همان فرمانده بود.»

نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: «حاج قاسم الگوی همه ماست. حاج قاسم می‌گفت من دست هر کس را که برای این مردم خدمت

تبیین، خداوند آنها را بیشتر و بهتر ضبط می‌کند.» وی با بیان اینکه مسئولان رده بالای سپاه از عملکرد روحانیت در سپاه راضی هستند و آنها را پشتوانه خود می‌بینند، ادامه داد: «خلاقیت‌ها و ایده‌های نوآورانه شما در اجرای برنامه‌ها را پیگیری و رصد می‌کنم. این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها شرط موفقیت روحانیت است.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی با بیان اینکه همه افراد باید از مافوق خود تبعیت کنند،

گروه سپاه

صبح صادق

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در همایش فصلی مسئولان نمایندگی ولی فقیه در رده‌های سپاه اظهار داشت: «روحانیت نه مغلوب تمجید‌ها می‌شود و نه تهدیدات آنها را می‌ترساند. آنها برای خدا کار می‌کنند و خدا را در تمام اعمال خود حاضر می‌بینند.» وی افزود: «روحانیت باید حواسش به فضاسازی دشمن باشد. دشمنان حتی به پیامبر اسلام (ص) هم حمله می‌برند که او را از مسر حق منحرف کنند؛ هر چند آنها در این راه شکست خورده بودند، اما از این اقدامشان دست‌نمی‌کشیدند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی در خصوص اهمیت و لزوم استفاده از صحیفه سجادیه به روحانیون سپاه، گفت: «صحیفه سجادیه باید مثل مفتاح در متن زندگی مردم بیاید. شما روحانیون این ارتباطی را که با صحیفه سجادیه دارید، به مردم منتقل کنید.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با تشکر از فعالیت‌های روحانیون سپاه گفت: «از مجاهدت‌های گمنام خود غصه نخورید. خداوند متعال زحمات شما را می‌بیند و ضبط می‌کند. اتفاقاً آنچه را که مردم

سردار حسین سلامی در بازدید از نمایشگاه عزم تحول

جهاد امروز ما، جهاد علمی است

جهاد امروز ما در جامعه، جهاد آگاهی‌بخشی و علم‌ورزی است.» «محمودزاده» رئیس سازمان مدارس غیر دولتی در حاشیه این نمایشگاه گفت: «در نمایشگاه عزم تحول توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با جدیت دنبال می‌شود.» وی در ادامه گفت: «۵۵۰ مدرسه

سردار سلامی در این نمایشگاه گفت: «کشورمان در همه دانش‌ها پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته است؛ به خصوص در علوم جدیدی مانند نانو فناوری‌ها، زیست فناوری‌ها، کوانتوم، هوافضا.» فرمانده کل سپاه تصریح کرد: «ایمان و علم دو بال پرواز ایران اسلامی است و

به گزارش خبرنگار «صبح صادق» نمایشگاه عزم تحول مدارس راهیان کوثر با حضور سردار سرلشکر سلامی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افتتاح شد. در این نمایشگاه ۴۲۰۰ دانش‌آموز در ۳۱ غرفه دستاوردهای علمی خود را به نمایش گذاشتند.



آیین رونمایی محفل ادبی نورا در بیمارستان بقیه‌الله (عج) برگزار شد

زمین کارزار ما تل آویو است

که آه مظلوم بی‌جواب نمی‌ماند: «غذای کودک من، ترکش است و خمپاره برای مردم من مرگ مثل تمرین است/عروس و داماد اینجا حنا نمی‌بندند/ دلی به داغ عزیز می‌همیشه خونین است/ ولی زمان تولد به گوش ما خواندند/ که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است/ بزن که آنچه به با خواست، آه مظلوم است/ بزن که آنچه زدی زخم نیست، تسکین است.» «نفسیه‌سادات موسوی» این وعده را به مردم غزه داد که این کشور هیچگاه یهودی نشین نخواهد شد: «به مادری که جوانش شهید گشته، قسم که شهر قدس، یهودی نشین نمی‌ماند/ نگاه کن که جهان، یکصدا فلسطین است/ امام گفته و حرفش زمین نمی‌ماند!» «هادی ملک‌پور» شاعری که امام زمان (عج) که را برای نجات سرزمین مقدس قدس صدا می‌زند و می‌گوید: «بغضیم و استخوان به گلو صبر کرده‌ایم/ دیگر رسیده کارد به این استخوان بیبا/ خون گلولی غزه صدا می‌زند تورا/ ای التیام زخم ستمدیدگان بیبا» تمام این شعرها و ابیات از دل داغ دیده‌ای برمی‌آید که سروزش را از سوز در خانه فاطمه زهرا (س) وام گرفته است و کجاست انسانی که غصه ام اینها (س) را شنیده باشد و امروز برای مظلومیت مردم غزه قلبش به تنگ نیاید.

ایجاد جامعه شعری در این مکان برای مردم غزه بدون هیچ وقته‌ای آن را پذیرفتیم.» در ادامه «رسول چهارمحالی» از شاعران منتخب بیمارستان بقیه‌الله (عج) این چنین آرزوی پیروزی مردم غزه را در شعر خود فریاد می‌زند و از مردم می‌خواهد که عزم خود را جزم کنند تا در این راه به امداد فلسطین برسند: «فلسطین می‌شود یک روز آزاد/ ولی باذن حق با عزم مردم.» «حسین اصلدقی‌پور» هم از کارکنان بیمارستان اینگونه حسرت در غزه بسودن را توصیف می‌کند: «هنوز شاهد زنجیر دست و پای من است/ هنوز قصه حلاج‌هاست در گوشم/ امید معرکه عاشقان فراموشم» شاعر «مهديه نژادابراهیم» این امید را به مردم غزه می‌دهد که پیروزی نهایی این میدان شمایید و روزی دوباره درختان زیتون به دستان شما در این سرزمین سبز خواهد شد: «خروش باشکوه تو به پا کرده است طوفانی/ تو صاحب خانه‌ای در خاک خود جاوید می‌مانی.» «محمدحسین ملکیان» شاعر بیت معروف «دفاع از حرم یعنی قرار جنگ اگر باشد/ زمین کارزار ما تل آویو است، تهران نه!» خودش را از اصفهان به این قافله شعر رسانده بود و این هشدار را به رژیم صهیونیستی می‌داد

مانده است/ زیر آوار کودکی مانده است/ دیدند طفل بی‌سری آنجا/ خشک شد شیر مادری آنجا/ حق و باطل به هم فراز شده/ پای صهیون به خیمه باز شده/ غزه مجروح ظلم و بی‌طرفی ست/ آبی مردم، سکوت بی‌شرفست/ شک مکن کربلا نمی‌میرد/ تیر طوفان تقاص می‌گیرد/ بنگرید آب و تاب محشر را/ خیبر و ذوالفقار حیدر را/ بعد از ایسن روزی از میاهلها/ تیر مختار و جان حرمه‌ها/ راه جلااد بسته خواهد شد/ دست صهیون شکسته خواهد شد/ خوک صهیون، قسم به خون شهید، بعد از این امنیت نخواهد دید.» رئیس بیمارستان فوق تخصصی بقیه‌الله الاعظم (عج)، دکتر حسین صمدی‌نیا با اشاره به اینکه این بیمارستان ششک گرفته در دل بحران‌هاست، در خصوص چرایی برگزاری محفل شعر در این مکان اظهار داشت: «نقش‌آفرینی بیمارستان بقیه‌الله (عج) در دوران‌های هشت دفاع مقدس و بعدها در درمان مجروحان مدافعان حرم و پس از آن از روزهای کرونا بر کسی پوشیده نیست. این روزها هم پس از عملیات طوفان الاقصی کارکنان بیمارستان برای حضور در بیمارستان‌های غزه اعلام آمادگی کرده‌اند. به سبب این علاقه خانواده سلامت بیمارستان بقیه‌الله با نخستین پیشنهادهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص

احسان بهاری

خبرنگار

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه با مشارکت بیمارستان و دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله الاعظم (عج) تهران و مؤسسه فرهنگی عقیق، محفل ادبی «غزه، مظلوم سربلند» را در مرکز همایش‌های بیمارستان برپا کردند تا نسل‌های مظلومیت مظلومان عالم را با مدد کلمه و کلام به گوش جهان برسانند. در روزهایی که تمام استخبار و سلطه در مقابل تمام جبهه حق در غزه صف‌آرایی کرده است، انجمن نورا بر خود دید که شاعران جوان را از دور و نزدیک گرد هم بیاورد تا هر یک صدایی باشند در حمایت از این مظلومیت‌ها.

همزمانی روزهای شهادت مظلومانه و غریبانه حضرت فاطمه (س) با روزهای پر درد و مردم غزه یک معنا بیشتر نداشت که ظلم فراموش‌شدنی نیست و باید برای دفاع از مظلوم به باخاست و نگذاشت زخم‌های جنایتکاران در لب طاقچه عادت از یاد برود. شاعر احمدپابایی در این مراسم این روزهای غزه و وظیفه ما را اینگونه توصیف کرد: «غزه تنهاست، غزه مظلوم است/ فرق مرد و نامرد معلوم است/ بین آتش عروسکی



مریم در هفده سالگی در بیمارستان امام خمینی (ره) آبادان مشغول امدادگری شد و مدت سه سال به کار پرستاری از مجروحان جنگ در بیمارستان‌های آبادان ادامه داد.

او در تمام مدت عمر با بیداری و هوشیاری سیاسی و دینی زندگی کرد، اما مهم‌ترین بعد شخصیتی که زیربنای سایر ابعاد اوست، بعد تهذیب نفس و خودسازی اوست. خیلی به خواندن نماز اول وقت تقید داشت. بسیار اهل مطالعه بود، کم می‌خوانید و بیشتر به خودسازی مشغول بود. او معتقد بود برخی حرف‌های نابجا، گناهان کوچکی هستند که تکرار می‌کنیم و برای مان عادت می‌شود. رمز موفقیت او دلبستگی نداشتن به دنیا بود. او دنیا و زرق و برقش را نمی‌دید. مریم روحی پویا داشت و سکون و یک‌جا ماندن را نمی‌توانست تحمل کند. اگر می‌دید در جای دیگری می‌تواند خدمت کند، خود را به آنجا می‌رساند.

روزی در ایام فاطمی به پهنای صورت اشک می‌ریخت و نام حضرت زهرا (س) را صدا می‌زد. دوستش پرسید: «چرا این قدر اشک می‌ریزی؟» مریم جواب داد: «شما اگر مادران فوت کنید، چه کار می‌کنید؟ شادی می‌کنید یا گریه؟»

مریم با وجود فعالیت زیادی که داشت، روزی می‌گرفت و تنها با نان و آب افطار می‌کرد. او در زندگی به دنبال شناخت تکلیف و وظیفه دینی و شرعی خود بود و با جدیت به وظایف خود عمل می‌کرد. از عادات پسندیده‌اش این بود که در جمع‌های دوستانه با گریز به مسئله معاد، این موضوع را برای دیگران هم یادآور می‌شد. گذشت و فداکاری، مهربانی و ایثار و گذشتن از حق خود در زمانی که حق با اوست، از جمله دیگر ویژگی‌های شخصیتی شهید مریم فرحانیا بود. «این شهید بزرگوار در غروبی که طبق قولش به مادر شهیدی، راهی گلستان شهدای

آبادان بود، مورد اصابت ترکش خمپاره رژیم بعثی قرار گرفت و به شهادت رسید. مسئله نفس و محاسبه آن به قدری برایش مهم بود که در وصیت‌نامه خود نوشت: این هوای نفسی را که امام (ره) از آن صحبت و سعی می‌کنند آن را از وجود ما بزدایند، شما هم سعی کنید که در این راه موفق شوید. سعی کنید خود را بشناسید که اگر خود را بشناسید، خدا را شناخته‌اید. هیچ وقت خدا را از یاد نبرید و سعی کنید که هر چه بهتر تزکیه نفس کنید. در بین خطراتی که ما را تهدید می‌کنند، هیچ خطری بالاتر از این نفس نیست که گاه انسان را به انحراف می‌کشاند و خود انسان متوجه نمی‌شود. به نقل از دوست شهید مریم فرحانیا

«مریم فرحانیا» ۲۴ دی ۱۳۴۲ در شهر آبادان در خانواده‌ای متوسط و مذهبی به دنیا آمد. این شهید بزرگوار در غروب سیزدهم مردادماه سال ۱۳۶۳ در حالی که راهی گلستان شهدای آبادان شده بود، مورد اصابت ترکش خمپاره دشمن بعثی قرار گرفت و دو خواهر همراه او زخمی شدند و مریم فرحانیا نماد رشادت و مجاهدت زن ایرانی به فیض شهادت نایل شد.



روایت زندگی غلامعلی تولی نخستین شهید مدافع حرم استان گلستان

پس از ۱۱ سال فراق آمدنت مبارک

پیچیدگی‌های آموزش آن در حدود شش ماه زمان برد با فعالیت شبانه‌روزی فراگرفت.

منیژه زمانی

خبرنگار



اصرار برای شرکت در جهاد

در یکی از مراحل اعزام در تهیه لیست برای چند نفر به مشکل خوردیم. چند روز کار به طول انجامید تا اینکه شبی به تلفن بنده تماس گرفته شد. صدایش را شناختم، غلامعلی تولی بود و خیلی اصرار کرد به جای نفر آخر که اعزامش به مشکل خورده مرا ببرید؛ ولی من او را به سبب مأموریتی که در سنگر منطقه دیگر داشت، رد کردم. فردا مجدداً تماس گرفت و همان اول خیلی گریه کرد و من هم با او گریه کردم و نهایتاً جمله‌ای به من گفت که من دلم نیامد و کوتاه آمدم. غلامعلی با لحاظ مسائل پشت تلفن گفت خونه عمه من باید بروم و مرا ناامید نکن. عمه جان منو طلب کرده و می‌خوام برم خونه‌شون.

اعزام به سوریه

موقع اعزام تولی از لحاظ سن از همه بزرگتر بود؛ ولی گذاشت همه سوار شدند و خودش آخر از زیر قرآن گذشت و برگشت و گفت: «با شما کاری دارم.» اول فکر کردم مشکل مالی دارد، ولی گفت: «من می‌روم، اما بر نمی‌گردم و خواهش دارم دعا کنید تا من برنگردم. چون من حالتی دارم که می‌دانم بر نمی‌گردم و پیکر من هم نخواهد آمد.»

جواز شهادت

شب لیل‌الرغائب که شب دلدادگان خدای متعال است، تولی آن را به نحوی گذراند که اثر آن مناجات شبانه او با معبودش روز بعد بر ملا شد. صبح جمعه همان شب در منطقه ماشین‌هایی برای عملیات آماده اعزام بودند. ایشان چون لحظه‌ای خوابش برد با صدای روشن شدن ماشین بیدار شد، فرصت خواست و رفت وضو گرفت و در همان عملیات به دست نیروهای

تکفیری به عنوان اولین شهید مدافع حرم خطه شمال کشور به شهادت رسید و پیکر او پس از ۱۰ سال به آغوش کشور عزیزمان و خانواده‌اش بازگشت.

بی‌تاب مظلوم

«سلیمه علیاری» همسر شهید مدافع حرم غلامعلی تولی: او اواخر دورانی که در منزل بود، تاب و توان نداشت و در مقابل تلویزیون می‌نشست و با دیدن اخبار از ظلم صورت گرفته به مردم مظلوم سوریه گریه می‌کرد و من از پشت سر می‌دیدم که از شدت گریه شانه‌هایش تکان می‌خورد. من تکان خورن شانه‌های غلامعلی را از شدت گریه در نماز شب مشاهده کرده‌ام.

روزهای آخر

روزهای آخر غلامعلی خودش نبود و حالت روحی عجیبی داشت. می‌گفت دیگه طاقت ندارم. من به ایشان گفتم تازه نزدیک بازنشستگی است و باید بچه‌ها رو سر و سامان بدی. گفت قصدم دارم مخفیانه برم و تو نباید حتی به مادر و بچه‌ها چیزی بگویی. سخت‌ترین روزهای من هم در روزهای آخر بود، چون نباید به بچه‌ها می‌گفتم و کنارشون می‌نشستم و بغض‌هام رو فرو می‌بردم تا کسی متوجه نشه که چه چیزی درون سینه مخفی کرده‌ام.

شهید سند افتخارم

روز آخری که می‌خواستند بروند در اتاق آمد و به من گفت: «من دارم می‌روم و اگر برگردم وقتی در خیابان راه رفتی، مثل حضرت زینب (س) سرت را بالا بگیر و به خودت افتخار کن.» ایشان که رفت، بچه‌هاش و خانواده رفتنش را متوجه نشدند و چند روز بعد غلامعلی به فیض شهادت رسید. ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۲ به شهادت می‌رسد، اما خانواده خبر شهادت را ۲۵ خرداد ۱۳۹۲، روز تولد پسرش به او اعلام کردند.

اخلاق و نماز اول وقت

یکی از خصوصیات بارز شهید در کنار مهربانی، خوش اخلاقی بسیار و لبخند همیشگی که روی چهره‌اش بود، توجه به نماز اول وقت و جماعت بود. اگر جایی نماز جماعت بود، حتماً حاضر می‌شد و اگر در مسیر بودیم وقت نماز می‌رسید، حتماً ماشین را نگه می‌داشتند و نمازشان را اول وقت می‌خواندند. حتی یک سری هوا خیلی سرد بود و جمع گفتند اگر امکانش هست، بریم جلوتر یا بعد نماز بخونیم؛ اما ایشان نگه داشتند و گفتند که فضیلت اول وقتش از دست میره و نمازشون رو اقامه کردند.

خدمت به مردم

وقتی از سر کار می‌ومد، به محض اینکه کسی از همسایه‌ها تماس می‌گرفت؛ چون یکی از تخصص‌های ایشان تعمیرات شیرآلات هم بود، هنوز استراحت نکرده و غذا نخورده بلند می‌شد که ما آب داریم و همسایه‌ها هم نیازشون میشه، بهتره برم مشکل‌شون رو حل کنم. شب‌ها وقتی از سر کار می‌ومد، آنقدر که سر کار و بعدش در خدمت به همسایه‌ها زحمت می‌کشید، دست‌هاش زخم شده و تاول زده بود. من هم می‌نشستم تا زخم‌ها و تاول‌هاشو بردارم و مداوا کنم. وقتش رو هدر نمی‌داد و خودش رو حتماً به کاری مشغول می‌کرد.

خاطرات سمانه تولی، دختر شهید مدافع حرم غلامعلی تولی: خیلی دوست داشتیم مشهد بریم و از ارادت زیاد خانواده ساللی دو یا سه بار به مشهد می‌رفتیم. روزهای آخر به بابا گفتم، بابا می‌شه با هم مشهد بریم؛ اما ایشان گفتن بابا من مأموریت دارم وقتی برگردم با هم ان‌شاءالله زیارت می‌ریم و این انتظار مشهد رفتن با پدر ماند تا خبر پیدا شدن پیکر سوخته پدر در روز تولد من آمد و پس از ۱۰ سال توانستم با پدرم، اما روی دست‌های زانران به زیارت امام (رضاع) بروم.

قاب

نماز فاتحان

دعا و نماز عارفانه و راز و نیاز شبانه رزمندگان اسلام در رأس اسباب و عوامل آن استقامت‌های آسمانی و نصرت و پیروزی رزمندگان اسلام در جنگ بود. درهم شکستن قدرتمندترین ارتش خاورمیانه و به زانو در آوردن قدرت‌های بین‌المللی حامی صدام فقط با سلاح و تدبیر نظامی میسر نبود و احتیاج مبرم به شب زنده‌داری و تهجد و مناجات داشت و خداوند این نعمت عظمی را به رزمندگان عنایت فرمود تا پیروزی دفاع مقدس به نام عشاقی مهر زده شود که پروانه وجودشان بیش از آنکه در مقابل گلوله‌ها به پرواز درآید، در نمازها و تهجدهای‌شان به پرواز درآمده بود.



جشنواره

یار آوینی

هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، سینما حقیقت، در روزهای ۲۷ آذر تا ۲ دی ۱۴۰۲ در حالی برگزار می‌شود که بزرگداشت «اصغر بختیاری» یکی از بخش‌های این دوره از جشنواره است. اصغر بختیاری یار نزدیک شهید آوینی است. او تا امروز بیش از ۱۰۰ اثر مستند ساخته که عمده آنها در زمینه مصائب جنگ و دفاع مقدس است. بختیاری مستندهای «روضه رضوان» درباره مادران شهدا، «دردهای پنهان» درباره جانبازان اعصاب و روان، «انتظار»، «مادر»، «آقا مجید»، «دیدار»، «باله‌ای از نور»، «امدادگران»، «پلاک شماره ۵۶۶» و «حاشیه‌ای بر یک متن کهنه» را در کارنامه دارد.



کتابخانه

همسایه ماهی‌ها

این کتاب خاطرات «اکبر کاظمی» از روزهای پنهان شدن در کنار رودخانه با پاهای مجروح در اثر رفتن روی مین است. او طی ۳۳۶ ساعت معادل ۱۲ روز بدون آب و غذا در خاک دشمن زندگی کرد. اکبر کاظمی، نیروی واحد تخریب لشکر ۸ نجف، با حضور در عملیات‌های شناسایی، راه را در صورت وجود مین برای نیروهای شناسایی هموار می‌کرد. این گروه طی یکی از این عملیات‌های شناسایی، به کمین عراقی‌ها برخورد و حین گریز، مجبور به ورود به میدان مین شده و مجروح می‌شوند. «بهزاد دانشگر»، نویسنده اصفهانی، خاطرات این جانباز رزمنده را در قالب ادبیات داستانی در ۱۹۱ صفحه نگاشته است.



دولت بایدن چگونه می خواهد افکار عمومی را در داخل ایالات متحده مدیریت کند؟

جنگ در مرزهای آمریکا

ثمانه اکوان

دبیر گروه بین‌الملل



از روزهای ابتدایی جنگ در غزه، بایدن حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از صهیونیست‌ها را به رسانه‌ها و کل دنیا نشان داد. او در سفر به سرزمین‌های اشغالی در همان روزهای ابتدایی جنگ، با نتانیاهو دیدار کرد و با وجود روابط تیره و تار با او، نتانیاهو را در آغوش گرفت و تعهد کرد که از امنیت رژیم صهیونیستی به هر وسیله ممکن دفاع می‌کند. پس از این دیدار، هواپیماهای باری ارتش ایالات متحده در سفر به سرزمین‌های اشغالی، چند صد تن محموله‌های نظامی را به این منطقه سرازیر کردند تا مردم غزه با آنها هدف قرار بگیرند. پس از مدتی آمریکا محموله‌های بمب‌های سنگرشکن را در اختیار صهیونیست‌ها قرار داد تا شمال غزه را با خاک یکسان کند. فشار افکار عمومی دنیا بر روی دولت آمریکا از اینجا بیشتر شد و بایدن حالا در سخنرانی‌های خود از ضرورت حفظ جان غیر نظامیان نیز سخن گفت و با آتش‌بس چند روزه برای تبادل اسرا نیز موافقت کرد. پس از آتش‌بس، به نظر می‌رسد لحن آمریکا دچار تغییراتی شده و دولت بایدن با جدیت بیشتری از ضرورت ادامه جنگ و حمایت از صهیونیست‌ها تا پایان دادن به حماس در غزه می‌گوید. صحبت‌های بایدن در جمع مقامات

یهودی دولتش در کاخ سفید که هفته گذشته به مناسبت عید یهودیان برگزار شده بود، خطوط روشنی از میزان حمایت آمریکا از صهیونیست‌ها را مشخص کرد. آمریکا تاکنون سه مرتبه قطعنامه‌های شورای امنیت را در حمایت از ادامه جنایات صهیونیست‌ها در غزه و تو کرده است. یکی از این قطعنامه‌ها که به درخواست دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت راه پیدا کرد، از اهمیت تاریخی بیشتری برخوردار است. با این حال، ایالات متحده نشان داد در حمایت از متحد تاریخی‌اش در منطقه، یعنی رژیم صهیونیستی نه به حقوق بین‌الملل توجهی دارد و نه آبرو و اعتبار سازمانی بین‌المللی که با ابتکار خودش پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد. دلیل این کار البته بسیار مشخص است. سازمان ملل پس از جنگ جهانی تنها برای این مسئله به وجود آمد که منافع آمریکا را در جهان تأمین کند و اگر قرار باشد این سازمان در ادامه راه نتواند از عهده وظیفه‌ای که دارد بر بیاورد، به احتمال زیاد مورد غضب آمریکا نیز قرار خواهد گرفت.

بایدن در این سخنرانی البته به مسئله دیگری نیز اشاره کرد و آن، نگرانی از افکار عمومی و نوع روایت جنگ در غزه در سطح دنیا و به ویژه در میان جوانان آمریکایی است. نگرانی دولت آمریکا از نوع برخورد مردمش با جنگ در غزه چندان هم بیجا نیست. بر اساس نظرسنجی‌های صورت گرفته، تنها یک سوم از مردم آمریکا از نوع مدیریت جنگ در غزه به‌دست بایدن حمایت می‌کنند که بیشتر آنها را هم صهیونیست‌هایی

تشکیل می‌دهند که به احتمال زیاد در انتخابات بعدی ریاست جمهوری، اگر ترامپ از حزب جمهوری‌خواه بتواند وارد عرصه انتخابات شود، به او رأی می‌دهند؛ زیرا دوران ریاست جمهوری او را بهترین دوران برای ایجاد ثبات در سرزمین‌های اشغالی می‌دانند. از سوی دیگر، جنگ در گرفته میان دانشجویان و مدیران دانشگاه‌های آمریکا با سیاستمداران آمریکایی زنگ خطر درباره شکاف سیاسی و اجتماعی بیشتر در جامعه آمریکایی را به صدا در آورده است؛ از همین رو اداره تحقیقات فدرال آمریکا باامداد چهارشنبه گذشته هشدار داد، تداوم جنگ غزه به‌احتمال زیاد خطر خشونت را در داخل آمریکا افزایش می‌دهد.

«اف‌بی‌آی» با بیان اینکه تهدیدهای بالقوهای علیه کنسسه‌های یهودیان در سراسر آمریکا وجود دارد، تصریح کرد: «جنایات ناشی از نفرت علیه جوامع مسلمان و عرب محتمل است.» در تاریخ ششم آذر بود که پلیس ایالت ورمونت آمریکا از تیراندازی به سه جوان فلسطینی‌تبار در نزدیکی دانشگاه این منطقه و مجروح شدن آنها خبر داده بود. در مقابل شرایط ادامه تحصیل برای دانشجویان طرفدار صهیونیسم در برخی از دانشگاه‌های آمریکا نیز بسیار محدود شده و آنها غالباً با هم‌شاگردی‌های خود درگیر می‌شوند. تلاش دولت آمریکا برای مترادف قرار دادن ضد صهیونیست بودن با ضد یهودی بودن، صدای اعتراض بسیاری از فعالان حقوق بشری و یهودیان مخالف صهیونیسم را در این کشور درآورده و حمایت بی‌شائبه دولت بایدن

پنجره

باخت کاخ سفید

غرب در انتظار شکست اوکراین است

این کمک‌ها، مهم‌ترین دلیلی است که اروپایی‌ها را با نگرانی درباره ادامه جنگ روبه‌رو کرده است. برخی از کشورهای اروپایی از این هراس دارند که با آغاز رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا و به صفر رسیدن کمک‌های ایالات متحده به اوکراین، آنها مجبور شوند هزینه‌های جنگ در اوکراین را پوشش دهند. آنها اعتقاد دارند بحران اقتصادی در آستانه فصل سرد سال، می‌تواند بار دیگر کل اروپا را دربر گرفته و توان کشورها برای ادامه حیات را محک بزند. از سوی دیگر، نتیجه بوند حملات اوکراین به‌ویژه در ماجرای «ضد حملات» که با پوشش رسانه‌ای بسیار قوی غرب همراه بود، میزان اعتماد غرب به دولت زلنسکی را کاهش داده است. در عین حال، زلنسکی حاضر به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در اوکراین نیز نیست و این بر پیچیدگی شرایط می‌افزاید. این در حالی است که در سراسر پایتخت‌های اروپایی، انتخابات در حال رخ دادن است و ظهور دولت‌های راست افراطی با رویکردهای مهاجرت‌ستیز و سیاست پایان دادن به کمک‌های مالی به سایر کشورها، از جمله اوکراین کار را برای کی‌یف سخت‌تر خواهد کرد.

رسانه‌های غربی در گزارش‌های متعددی اذعان کرده‌اند پیروز جنگ اوکراین، روسیه می‌شود؛ این پیروزی به‌دلیل توان پوتین در حل مسائل داخلی و افزایش توان نظامی این کشور در مقابل ضعف فزاینده اوکراین و رویگردانی غرب از زلنسکی است. از زمان آغاز جنگ اوکراین، رسانه‌های غربی اذعان کرده‌اند که پوتین در آستانه پیروزی در جنگ اوکراین است و لحظه‌ای که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه منتظر آن بوده، فرا رسیده است؛ «زمانی که او واقعاً نیازی به انجام کارهای زیادی در جنگ با اوکراین ندارد و می‌تواند آن را یک پیروزی بنامد.» سسی‌ان‌ان، شورای آتلانتیک و اکونومیست، در گزارش‌هایی ضمن اذعان به پیروزی قریب‌الوقوع پوتین در جنگ اوکراین، نبود دید استراتژیک در میان کشورهای اروپایی، رویگردانی غرب از حمایت از اوکراین، توان نظامی روسیه و فرسودگی کی‌یف از جنگ را دلایل پیروزی روسیه بیان کرده‌اند. ناتوانی دولت بایدن در ارسال کمک‌های مالی و نظامی مورد درخواست اوکراین به‌دلیل رقابت‌های حزب دموکرات و جمهوری‌خواه و رضایت نداشتن افکار عمومی آمریکا از ارسال

تحلیل

اخطار موشکی

آمریکا و چین در آستانه توافق قرار دارند؟

سال ۱۹۸۸، قبل از فروپاشی شوروی سابق امضا شد. هدف از طراحی این توافق در دوران جنگ سرد جلوگیری از هراس در دو کشور قبل از پرتاب‌های موشکی و اطمینانبخشی به یکدیگر درباره این بود که پرتاب یک موشک حمله هسته‌ای نیست. با وجود شدت گرفتن تنش‌ها در روابط مسکو و واشنگتن پس از آغاز جنگ اوکراین «سرنگی ریابکوف» معاون وزیر خارجه روسیه در ماه مارس گفت که مسکو قبل از پرتاب موشک‌های بالستیک قاره‌پیما واشنگتن را از قصد خود برای اقدام در این زمینه مطلع خواهد کرد. مسکو واشنگتن به تلاشی هر دو از پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای بیرون آمده‌اند و این نگرانی را به وجود آورده‌اند که رقابت اتمی دیگری بین آمریکا و روسیه در جریان خواهد افتاد. البته برخی از رسانه‌ها به افزایش تأسیسات هسته‌ای چین نیز اشاره کرده و عنوان کرده‌اند قدرت‌های اتمی دنیا به‌دنبال افزایش توانمندی‌ها و بمب‌های هسته‌ای خود هستند و این مسئله برای آینده جهان بسیار خطرناک است.

یک رسانه ژاپنی گزارش داده، آمریکا در حال بررسی توافق با چین است که از دو کشور می‌خواهد قبل از پرتاب هرگونه موشک به یکدیگر اخطار دهند. در حالی که روابط میان واشنگتن و پکن به‌دلیل افزایش بدگمانی‌های دوطرفه بر سر مجموعه‌ای از سیاست‌ها با تنش‌هایی سابقه‌ای مواجه شده، مقام وزارت خارجه آمریکا مدعی شد این توافق مشابه سازوکارهایی خواهد بود که در حال حاضر میان دو کشور برقرار است. گزارش پایگاه ژاپنی در روز دوشنبه حاکی از آن است که مقامات آمریکا امیدوارند گفت‌وگوهای تسلیحاتی با چین را اوایل سال آینده میلادی از سر بگیرند. در این گزارش آمده است، دولت آمریکا در حال بررسی طرح خود برای ارسال اخطارهای موشکی هستند. مقام آمریکایی مدعی شده است، این توافق به ایجاد اعتماد میان دو طرف کمک خواهد کرد. توافق آمریکا با روسیه «توافقنامه اخطار پرتاب موشک‌های بالستیک» نام دارد که در

پیشخوان

مجازات ۱۵ نظامی آمریکایی



۱۵ نفر از اعضای نیروی هوایی ایالات متحده به‌دلیل همراهی و سکوت در برابر افشای اسناد محرمانه نظامی در دادگاه نظامی محاکمه شدند. چندینی پیش‌یک جوان ۲۱ ساله آمریکایی که در نیروی هوایی این کشور خدمت می‌کرد، اسناد محرمانه‌ای از چگونگی حضور نیروهای آمریکایی در جنگ اوکراین منتشر کرد که به سرعت مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. او این اسناد را از طریق یک برنامه بازی با دیگر بازیگران به اشتراک گذاشت و مأموران اطلاعاتی آمریکا را درباره منابع این اطلاعات به‌شدت متعجب و پریشان کرد. آنطور که روزنامه «واشنگتن‌پست» گزارش داده است، پس از چند روز این عضو نیروی هوایی آمریکا بازداشت و به زندان محکوم شد؛ اما حالا نیروی هوایی این کشور گزارش داده است، فرماندهان این نیرو و برخی از هم‌قطاران او نیز به‌دلیل تلاش نکردن برای جلوگیری از این کار یا همراهی با این جوان ۲۱ ساله، بازداشت شده و در انتظار محاکمه هستند. در این اسناد میزان واقعی کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین، نوع سلاح‌های ارسال به این کشور، نوع همراهی نیروی هوایی این کشور با کی‌یف در جنگ روسیه و همچنین میزان منابع مالی کمک‌شده به این کشور به‌صورت جزه به جزه بیان شده بود. برخی از تحلیلگران در آمریکا، این افشای اسناد را بزرگ‌ترین عملیات پس از ماجرای ویکی‌لیکس می‌دانند.

فرستادن پناهجویان به رواندا



«ریشی سوناک» نخست‌وزیر انگلیس می‌خواهد با هر ترفندی طرح ضد مهاجرتی رواندا را در پارلمان به تصویب برساند تا شاید بتواند حزب محافظه‌کار را - که به‌شدت تضعیف شده - برای انتخابات سال آینده از شکستی سخت نجات دهد. به گزارش نشریه «گاردین»، ریشی سوناک، نخست‌وزیر محافظه‌کار انگلیس تصمیم گرفته است در مسئله سیاست ضد مهاجرتی قدرت باقیمانده خود در حزب را به خطر بیندازد. اینکه آیا سوناک می‌تواند آخرین شورش محافظه‌کاران راست‌گرای ملی را علیه مسیر خود در آخر هفته کاهش دهد و از شکست در مجلس عوام سه‌شنبه آینده جلوگیری کند، هنوز کاملاً نامشخص است. اگر حداقل ۲۹ نماینده حزب محافظه‌کار در اولین رأی‌گیری درباره «لایحه جدید ضد مهاجرتی موسوم به رواندا» سوناک در آن روز از دولت حمایت نکنند، سوناک ممکن است چاره‌ای جز استعفا یا برگزاری انتخابات فوری نداشته‌باشد. البته ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس رسماً این رأی اعتماد را اعلام نکرد، اما از آنجایی که او راهبر خود برای «بازدارندگی» پناهجویان ناخواسته را یک اولویت سیاسی بی‌سابقه در ماه‌های اخیر قرار داده است، شکست در این زمینه یک ضربه شخصی خواهد بود که او ممکن است نتواند از آن نجات یابد.

قدرت دریایی

رئیس جمهور روسیه بر ضرورت تقویت نیروی دریایی این کشور و افزایش آمادگی رزمی ناوگان روسیه در آب‌های مهم جهان، از جمله دریای سیاه و خزر تأکید کرد. «ولادیمیر پوتین» گفت، تلاش این کشور برای افزایش قدرت دریایی و حضور در آب‌های مهم جهان ادامه خواهد داشت. به گزارش خبرگزاری «آنا‌تولی»، پوتین در مراسم راه‌اندازی زیردریایی‌های اتمی این کشور گفت: «در سال‌های آینده، به عنوان بخشی از برنامه تسلیحاتی دولتی، سه ناو موشک‌انداز راهبردی کلاس «بوری» به نیروی دریایی روسیه الحاق می‌شوند.» وی با بیان اینکه هم‌زمان پنج زیردریایی کلاس «یاسسن-ام» در حال ساخت است، گفت: «روسیه تمام برنامه‌های خود را اجرا خواهد کرد.»



نپذیرفتن زلنسکی

رئیس جمهور برزیل در خواست ملاقات «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین را رد کرد. هوایی‌های زلنسکی در راه سفر به آرژانتین برای سوختگیری ساعت ۲۰:۱۵ دقیقه شنبه به وقت محلی (۹ دسامبر / ۱۸ آذر) در پایگاه هوایی برازیلیا فرود آمد. «ماریا لوزینا اسکورل» وزیر اروپا و آمریکای دولت برزیل برای استقبال از رئیس جمهور اوکراین در این پایگاه هوایی حضور داشت و زلنسکی در دیدار با وی، خواستار ملاقات با داسیلوا شد؛ اما رئیس جمهور برزیل این درخواست را رد کرد. به نوشته روزنامه «اواگلیو»، این درخواست زلنسکی در حالی مطرح شد که داسیلوا در اجلاس بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی موسوم به مرکوسور در ريو شرت داشت.



بازگشت دونالد

«دونالد تاسک» که در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ نخست‌وزیر لهستان بود، هفته گذشته به دنبال شکست دولت حزب راستگرای «قانون و عدالت» در کسب رأی اعتماد پارلمان این کشور، بار دیگر به نخست‌وزیری انتخاب شد. پارلمان لهستان دونالد تاسک، رهبر حزب میانه‌روی «سکوی مدنی» را بار دیگر به نخست‌وزیری این کشور انتخاب کرد و راه را برای روی کار آمدن یک دولت طرفدار اتحادیه اروپا پس از هشت سال حکومت حزب محافظه‌کار ملی «قانون و عدالت» هموار کرد. حدود دو ماه قبل، ائتلافی متشکل از احزاب چپ‌گرا تا احزاب محافظه‌کار میانه‌رو پیروز انتخابات سراسری لهستان شدند.



یادداشت

آثار اقتصادی یک الزام

قدرت‌الله جلیل پیران

دبیر هیئت مدیره
شورای عالی سردفتری کشور



از آنجا که ثبات و اطمینان خاطر، جزء بسترها و مقدمات واجب برای رونق و توسعه اقتصادی یک کشور است و در فضای نامطمئن این رشد و توسعه با خلل و کندی مواجه می‌شود، می‌توان گفت، قانون الزام به ثبت معاملات (که متضمن غیر قابل استناد شدن اسناد عادی است) می‌تواند بخش زیادی از توقف‌ها و مخاطرات را از پیش روی اقتصاد کشور و توسعه آن بردارد.

مقرر است ظرف چهار سال تمام مالکیت‌های افراد بر اراضی و املاک در قالب قانون کاداستر به ثبت رسیده و سنددار شوند. ثبت رسمی املاک زراعی از یکسو موجب کاهش دعاوی معمول و هزینه‌ها برای مردم و حاکمیت می‌شود و از سوی دیگر زمینه‌های سرمایه‌گذاری در این بخش را تسهیل کرده و امکان انعقاد قراردادهای رسمی طولانی مدت و دارای حمایت‌های قانونی لازم، مابین افراد یا اشخاص حقوقی بخش خصوصی و دولتی را ایجاد می‌کند که در این صورت هر یک از طرفین می‌توانند با اعتماد وارد قراردادهای توسعه‌ای کشاورزی و مشاغل پیرامون آن شده و از بروز دعاوی مختل‌کننده نگران نباشند. ثبت رسمی املاک و سنددار شدن اراضی یکی از مهم‌ترین مشکلات کشاورزی خود کشور را که فقدان تضامین معتبر برای اخذ تسهیلات است تا حدود زیادی مرتفع می‌کند و بر این اساس نظام بانکی کشور نیز نگرانی کمتری بابت سرمایه‌گذاری و تخصیص اعتبارات خواهد داشت.

با وجود ثبت رسمی املاک زراعی، اختلافات فرسایش‌آور کاهش می‌یابند و با بالا رفتن امکان سرمایه‌گذاری می‌توان مهاجرت‌ها را کاهش داد و اشتغال را افزایش و تولید ملی را رشد داد.

حوزه مسکن نیز یکی از چالش‌های بزرگ کشور به شمار می‌آید که دغدغه حاکمیت و خانواده‌های ماست.

مسروری بر وضعیت حقوقی حاکم بر این بخش در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، هم در حوزه ساخت‌وساز و هم در حوزه خرید و فروش، فقدان ثبت رسمی موجب ورود لطمات جدی به اعتماد عمومی شده است. چه بسیار پیش‌فروش‌هایی که بر اساس قراردادهای عادی انجام شده و در نهایت منجر به خلف وعده‌ها و کلاهبرداری‌ها و بروز دعاوی و اختلافات متعدد نشده و چه بسیار سرمایه‌گذاری‌هایی که متعاقباً با معاملات معارض و فروش‌های امثال غیر و ... مواجه شده‌اند. در این حوزه خلأ ثبت رسمی، اعم از فقدان ثبت رسمی اسناد مربوط به عرصه‌ها و اعیان، فقدان ثبت رسمی عقود و معاملات و قراردادهای بیشتر از حوزه‌های دیگر مشهود است.

با وجود ظرفیت بالای این حوزه برای ایجاد اشتغال، افزایش تولید مصالح اصلی و فرعی مورد نیاز از یک سو و رفع دغدغه خانواده‌ها و حاکمیت از سوی دیگر می‌توان با توسل به ثبت رسمی و ایجاد اطمینان در طرفین دخیل در حوزه ساخت‌وساز، اقتصاد حوزه مسکن را از حالت ریسک‌دار به حالت عادی تبدیل کرد تا در نهایت جامعه منتفع از رشد اقتصادی نهفته در این حوزه شود و سرمایه‌گذار به سود مورد نظر رسیده و مشکل مسکن خانواده‌ها نیز تعدیل شود.



بررسی خوب و بد قانون جدید بانک مرکزی در گفت‌وگو با دکتر احسان قمری

بانک مرکزی به تنهایی نمی‌تواند مشکلات را حل کند

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «اگر ما در قانون برای دستگاهی وظایفی تعیین می‌کنیم، باید مجریان و ذی‌نفعان نسبت به آن وظایف اشراف داشته باشند. شرط اصلی و لازم برای تحقق آن وظایف در وهله اول این است که آن دستگاه به وظایف خود اشراف کلی داشته باشد تا بتواند به نحو احسن از عهده وظایف خود برآید؛ ضمن اینکه آن نهاد باید در انجام این وظایف تجربه کافی را نیز داشته باشد.»

دکتر قمری خاطر نشان کرد: «وقتی وظایفی برای یک نهاد آن هم نهاد مهمی، مانند بانک مرکزی تعیین می‌کنیم، حتماً این وظایف باید جامع و مانع باشد. جامع و مانع بودن در این موضوع به معنای آن است که تداخلی با وظایف سایر دستگاه‌ها و مجموعه‌ها نداشته باشد.»

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: «نکته بسیار مهمی که برای بانک مرکزی بسیار حائز اهمیت است، برخورداری از ابزارهای لازم برای وظایف و رسیدن به نقطه مطلوب است. به این معنا که بانک مرکزی باید اختیاراتی برای انجام این وظایف داشته باشد، پس اگر این وظایف برای دستگاهی مانند بانک مرکزی طراحی شود؛ اما اختیارات کافی به بانک مرکزی داده نشود، شک و تردیدی وجود ندارد که آن مجموعه، یعنی بانک مرکزی نمی‌تواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد، پس به این محور باید توجه شود؛ چرا که فقدان ابزارهای لازم برای انجام مأموریت‌های بانک مرکزی سرانجامی جز شکست و وظایف و مأموریت‌ها به دنبال ندارد.»

احسان قمری در این باره اظهار داشت: «بی‌شک جامع و مانع بودن قانون به معنای اطباء و پیچیده کردن محورهای مورد بحث و مسائل مطرح شده نیست؛ بلکه در همه دنیا وظایف بانک مرکزی بسیار خلاصه بیان می‌شود تا این نهاد مهم بتواند اهم وظایف و مأموریت‌های خود را به درستی انجام دهد»

و نقش خود را در اقتصاد به بهترین حالت ممکن ایفا کند؛ چرا که همگان به خوبی می‌دانند مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی تدوین و اجرای سیاست‌های پولی است.»

وی در این باره تصریح کرد: «متأسفانه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که شاهد هستیم در قانون بانک مرکزی ۲۳ وظیفه مشخص شده و آنقدر به جزئیات پرداخته شده که گویی نویسندگان قانون بانک مرکزی وظایف کلان و مهم را به دست فراموشی سپرده‌اند.»

وی در این باره با ذکر مثالی گفت: «برای نمونه، در وظایف بانک مرکزی که در قانون آمده، به تدوین یا اجرای سیاست‌های پولی اشاره‌ای نشده است؛ بلکه در بخش اختیارات ذکر شده، بانک مرکزی باید از ابزارهای سیاست پولی و ارزی استفاده کند که این نوع پرداختن و اشاره به چنین موضوع مهمی از ریشه اشتباه است که ابزارهای سیاست پولی و ارزی در کنار هم گذاشته شوند.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی یادآور شد: «وقتی برای بانک مرکزی در حوزه سیاست پولی وظیفه‌ای در نظر نمی‌گیرید، طبیعتاً نمی‌توانید به این نهاد مهم اختیاراتی بدهید؛ زیرا تفویض اختیار زمانی درست است که برای آن بخش، مسئولیت در نظر گرفته شده باشد.»

وی در ادامه بحث خاطر نشان کرد: «در این ۲۳ مورد که برای وظایف بانک مرکزی در قانون جدید این نهاد آمده، مواردی دیده شده که جزئی از وظایف سایر دستگاه‌هاست، یعنی نمی‌توان انتظار داشت بانک مرکزی به تنهایی آنها را به سرانجام برساند و محقق کند.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی و بانکی معتقد است: «وقتی وظایفی به عهده چند مجموعه مشترک است، پس نمی‌تواند وظیفه یک نهاد باشد، همچنین مسائل باید بین این چند مجموعه پیگیری

شود تا به نتیجه کامل برسد. برای نمونه، می‌توان به پیمان‌های پولی اشاره کرد. تحقق این پیمان‌ها بیش از آنکه بر عهده بانک مرکزی باشد، بیشتر در حوزه وزارت صمت و وزارت امور خارجه است؛ یعنی هر چند بانک مرکزی نیز در این موضوع دخیل است و می‌تواند دخالت کند، اما نمی‌توان تنها این وظیفه را مختص بانک مرکزی دانست.»

احسان قمری تصریح کرد: «در نتیجه می‌توان به این جمع‌بندی رسید که بخش قابل توجهی از بندهای قانون جدید بانک مرکزی به صورت کلی بیان شده و بیشتر بر وظایف اصلی بانک مرکزی، مانند سیاست‌های پولی یا تنظیم‌گری یا در اجرای سیاست مالی اینکه بانک مرکزی باید کمک‌کننده به دولت باشد، متمرکز شده است.»

کارشناس و تحلیلگر اقتصادی و بانکی معتقد است: «به نظر می‌رسد اگر وظایف کلی بانک مرکزی در قانون جدید روشن و شفاف و برجسته مطرح می‌شد تا بانک مرکزی متناسب با این وظایف در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های خود طرح‌هایی را برای انجام بهتر کار طراحی می‌کرد و در دستور کار قرار می‌داد، قطع به یقین بانک مرکزی در پیشبرد امور مرتبط با خود موفق‌تر عمل می‌کرد.»

وی در این باره توضیح داد: «چون اعتقاد داریم بر مبنای قانون دستورالعمل و آیین‌نامه می‌نویسیم و می‌توانیم مسائل ریز را در آنجا بیان کنیم، در واقع وقتی قانونی تصویب می‌شود آیین‌نامه‌های آن نوشته و سپس بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن تدوین می‌شود؛ اما وقتی همه مسائل در همان قانون بیان می‌شود، اگر روزی بانک مرکزی بخواهد غیر از وظایف ۲۳ گانه کار دیگری را انجام دهد، حتماً باید قانون دیگری برای این منظور تصویب شود که خود این موضوع به تشدید بوروکراسی اداری و اختلال در نظام بانکی کشور منجر می‌شود که طبیعتاً به نفع اقتصاد نیست.»

افزوده

دامنه نوسان

از اصطلاحات رایج در بازار سرمایه «دامنه نوسان» است. دامنه نوسان اصطلاحی مختص بازار بورس است و در بازارهایی، مانند بازار فارکس و بازار ارز دیجیتال کاربرد ندارد؛ اما در بازار بورس به شدت از آن استفاده می‌شود. البته نه فقط در بازار بورس ایران، بلکه در بازار بورس سایر کشورها نیز استفاده می‌شود. دامنه نوسان در واقع به محدودیتی اطلاق می‌شود که سازمان بورس هر کشور برای میزان رشد یا افت قیمت یک سهم در طول هر روز تعیین می‌کند. در گذشته این مقدار برای بازار بورس ایران ۳ درصد بود و در وضعیت فعلی ۵ درصد است.



شاخص

بحران در کریپتوس

روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارش اخیر خود با استناد به تحقیقات مؤسسه «نشنال دتلاین» (National Debtline) هشدار داد، وخامت بحران هزینه‌زندی، خانواده‌های بریتانیایی را مجبور کرده است در تعطیلات کریسمس امسال بیشتر قناعت کنند و هزینه هدایا و وعده‌های غذایی خود را کاهش دهند. داده‌ها نشان می‌دهد، حدود ۶/۵ میلیون نفر در فصل تعطیلات برای گرم کردن خانه‌های خود با مشکل مواجه هستند، در حالی که ۲/۷ میلیون نفر باید بین خرید غذا یا هدیه یکی را انتخاب کنند. بر اساس این گزارش، بیش از ۱۴ میلیون مصرف‌کننده در حال برنامه‌ریزی برای محدود کردن تعداد هدایای کریسمس امسال هستند.



منهای نفت

میوه صادراتی

کشورهای ایران، هند و چین در تولید و مصرف زرشک به عنوان گیاه دارویی و درمانی یا به منزله یک ماده غذایی سابقه باستانی دارند. این کشورها از صادرکنندگان اصلی زرشک در دنیا به شمار می‌آیند. ایالات متحده آمریکا، ایالات متحده عربی، مراکش و کشورهای اروپایی از جمله واردکنندگان اصلی زرشک در جهان هستند. زرشک تولید شده کشور هند در سال ۲۰۱۸ برابر با حدود ۱۸۵ هزار تن و با قیمت پایه ۱۶ دلار اعلام شده است. بنابراین، با پیگیری و حمایت هر چه بیشتر این محصول طبیعتاً جایگزین خوبی برای نفت خواهد بود.



رسول خدا (ص) ليله القدر خود را به ميدان آورد

گفتاری از آیت الله سید محمد مهدی میر باقری

به میدان بیاورند. بنابراین، حضرت زهر(س) در این زمان خاص، لباس بشر به تن پوشیده‌اند و آمده‌اند.

هم نور انمه و هم قرآن در آن تزلزل پیدا کرده است. همان طور که ليله القدر نیز به حضرت زهر(س) تفسیر شده است. خلق کریمه را خدای متعال، ابتدا به نبی اکرم(ص) داده‌اند. تولی عباد موجب ظهور اخلاق حمیده در آنها و تبری از ابلیس، مانع نفوذ شیطان در مملکت آنها می‌شود؛ زیرا همان طور که نبی اکرم(ص) اساس اخلاق حمیده است، اولیای کفر نیز اساس اخلاق رذیله‌اند. ایشان موضوع درگیری نبی اکرم(ص) با جبهه کفر را به طاعت و عصیان تحلیل می‌کنند و ضمن عظیم شمردن دامنه درگیری در این باره می‌گویند: همه انبیاء، جنود نبی اکرم(ص) و فرماندهان ایشان هستند، همان طور که فرارنه جنود ابلیس هستند، در نقطه‌ای که این درگیری به اوج خود می‌رسد، شخص نبی اکرم(ص) به میدان می‌آیند و لباس بشر به تن می‌کنند؛ همان گونه که محور کفر نیز به میدان می‌آید؛ از همین روست که رسول خدا(ص) در این زمان باید شب قدر خود را در مقابل دولت باطل

هستند. بر اساس قراین تاریخی، دشمنان حتی در صدد نفی انتساب حضرت به رسول(ص) بودند که در این خطبه حضرت این نقشه را برای همیشه خنثی می‌کنند. منشأ اصلی جریان نور، رسول مکرم اسلام(ص) است. جریان ظلمت در صدد است تا این نور را خاموش کند و البته خدای متعال، نه تنها اجازه خاموش کردن این نور را نمی‌دهد، بلکه آن را که به نور امام تفسیر شده است، به اتمام می‌رساند. نبی اکرم(ص) و اهل بیت(ع) همانند نور الهی هستند که در این عالم تزلزل یافته‌اند. در این عالم، دو مسیر وجود دارد: یکی مسیر در وادی نور و دیگری مسیر در وادی ظلمات. ائمه حق به نور دعوت می‌کنند و اولیای کفر در صددند تا عباد را به وادی ظلمت ببرند. پس منازعه اصلی این است که در سرنوشت بشر چه چیزی باید حاکم شود؛ سیر در وادی نور یا سیر در ظلمات؟ بر اساس آیه ۳۵ سوره نور، سیر در وادی نور با مشکلات واقع می‌شود و مشکلات در آیه نور، به حضرت زهر(س) تفسیر شده است که مثل نور الهی است. ایشان مشکاتی هستند که

تفسیر فعل معصوم(ع) باید در بستر تحلیل شخصیت و عظمت ایشان واقع شود. در تحلیل خطبه، گاهی فقط به جمله‌ها و فرازها توجه می‌شود؛ ولی گاهی روابط فرازا نیز در نظر گرفته می‌شود. حضرت زهر(س) در میان صحنه درگیری و در متن یک امتحان بزرگ، خدا را حمد می‌کنند. این حمد چه معنایی دارد؟ آیا این حمد، یک حمد معمولی و از باب عادت است یا اینکه حضرت زهر(س) در متن این بلا، جمال صنع الهی را می‌بینند و با توصیفی که از توحید دارند، بنای درگیری با جبهه کفر را که به منزله پیش فرض این درگیری است، بیان می‌کنند. ایشان درباره سایر بخش‌های خطبه این گونه توضیح می‌دهند که بعثت رسول خدا(ص)، دین و شریعت در عبارات بعدی این خطبه تحلیل می‌شود. در ادامه حضرت زهر(س) متذکر این نکته می‌شوند که مقام خلافت، چیزی نیست که با قرارداد اجتماعی ایجاد شود؛ بلکه کسانی می‌توانند مسکن‌داری کنند که در این میدان ایستاده‌اند، فداکاری کرده‌اند و اهل این میدان



مکتب

دعوت مردم به عاشق شدن



سید مرتضی رضایی
کارشناس علوم اسلامی

آنچه موجب شد آموزه‌های دینی و مکتبی پیامبر اسلام(ص) در صدر اسلام مسیری دیگر را ببیماید، برنامه‌های دقیق را می‌طلبد که یکی از آنها کار روی روان مردم بود. یک جنگ روانی که مردم را هدف خود قرار می‌داد، آغاز شد و دیگر هیچ‌گاه پایسان نپذیرفت. هدف منحرف کردن ذهن مردم از دستورهای قرآن و پیامبر اسلام(ص) و ایجاد فاصله میان آنان با حقیقتی ناب، مانند علی(ع) بود که هر چه جلوتر رفت، بیشتر هم شد. جامعه هدف حضرت صدیق‌طاهر(س) هم مردم بودند؛ به گونه‌ای که در سخنان شان مردم را به تفکر و تأمل در دستورات دین فراخواندند. آنچه در سخنان ایشان بیشتر از هر چیزی به چشم می‌خورد، این بود که مردم باید به سمت امام و ولی خود حرکت کنند، دین و زندگی دنیایی و آخرتی خود را به او بسپارند و تنها او را مرجع و راهنمای خود بدانند. البته این مرجع باید آگاهانه صورت پذیرد و مانند روزی نباشد که مردم هجوم بردند به سمت امیرالمؤمنین(ع) تا با ایشان به‌عنوان خلیفه بیعت کنند. تاجایی که حضرت(ع) در خطبه سوم نهج البلاغه از این رفتار شکایت می‌کنند تا مردم را نسبت به نحوه عزیمت به امام، ولسی و خلیفه حقیقی اسلام(ص) آگاه کنند. «محمود بن لبید» می‌گوید: از فاطمه(س) درباره حق علی(ع) و کوتاه آمدن ایشان از آن حق سؤال کردم، فرمودند: «ای ابا عمر، رسول خدا(ص) فرمود: «مَثَلُ الْأُمَمِ مَثَلُ الْكُفَّةِ، إذ تَوَاتَتْ وَلَا تَأْتِي»؛ امام همچون کعبه است که باید به‌سویش حرکت کنند، نه اینکه او به جانب مردم رود. به‌خدا سوگند اگر می‌گذاشتند که حق برمدار خود بچرخد و آن را برای اهلس باقی می‌نهادند و از خاندان محمد(ص) پیروی می‌کردند، هیچ‌گاه دودنفر یافت نمی‌شدند که درباره خدای تعالی به اختلاف برسند و این روش از گذشتگان برای آیندگان به ارث می‌رسید و آیندگان آن را به میراث می‌بردند، که قائم ملاحظه) که نه‌همین فرزند حسین(ع) است، قیام می‌کرد.»(عوالم المعارف، ج ۱۱، ص ۲۲۸) آنچه حضرت زهر(س) از مردم می‌خواست، این بود که باید عاشق علی(ع) باشند و از این عشق به سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی برسند. حالتی که در طول تاریخ برای هر کسی به‌وجود آمد، در بالاترین مقامات الهی و اخلاقی جای گرفت. عشقی که می‌تواند عزم ایجاد کند، تن‌آسایی و غفلت را از انسان دور کند و خواب را از چشمان او بگیرد. هنگامی که علی(ع) نشانه‌های مؤمن را برای هم‌امین شریح ذکر فرمود و هم‌امین بهوش شد و سپس جان به جان آفرین تسلیم کرد، همین عشق را پیدا کرد. شاید بتوان گفت دلیلی که هم‌امین بی‌طاقت کرد، سختی یا عدم نیل به این مقام نبود، شوقی بود که او را بی‌تاب درک حالات یک مؤمن واقعی کرد. بعید نیست علی(ع) در همان لحظه عشق خودش را در قلب هم‌امین قرار داد و چشم او را با نور بصیرتش به عالمی بی‌نهایت زیبا روشن کرد. اگر شنیدن این صفات برای انسان‌ها گران بود، چرا افراد دیگر و خود ما که صفات متقین را می‌شنویم، حالات مان تغییر نمی‌کنند؟! آنچه می‌تواند انسان را از فرش به عرش ببرد، قلبی عاشق است؛ پس حضرت فاطمه(س) باید قلب مردم را به عشق علی(ع) مبتلا می‌فرمود.

فدک را هم برگرداندند. حضرت(س) بسیار دقیق مسئله را طرح فرمودند و به‌اصطلاح نقطه‌زنی کردند. مقدمه‌های که ایشان داشت، این بود که اگر شما دین را نفهمید، زندگی را نمی‌فهمید و دچار خطا در نیات و اعمال خود می‌شوید. وقتی ایشان می‌خواهند اثر القانات شیطان در رفتار مردم را مثال بزنند، باید یک شاهد هم بیاورند و آن اینکه، شما در همین موقعیت در حال گناه هستید و دستور خداوند و پیامبر(ص) را زیر پا گذاشتید! پس اگر با این نگاه و شیوه بخواهید به رفتار خود ادامه دهید، شیطان چیزی از دین برای شما باقی نمی‌گذارد جز یک پوستین ظاهر و بی‌فایده... حضرت می‌فرمایند: «ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند... آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم؟... آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید؟ آیا قرآن نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»... و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ این بیانات حضرت، یعنی هر عمل‌تان باید منطبق با قرآن باشد و بدون علی(ع) نمی‌توانید کاری انجام دهید، زیرا چیزی از قرآن نمی‌دانی.

آموزش خداوند و کامل دادن پیمان و وزن را برای جلوگیری از کم‌فروشی و نهی از خوردن شراب را برای دوری از بدی‌ها و پلیدی‌ها و اجتناب از نسبت ناروا به دیگران را برای مورد لعنت واقع نشدن و ترک دزدی را برای دست یافتن به عفت و پاک‌دامنی مقرر فرمود و شرک ورزیدن را برای نیل بندگان به اخلاص در ربوبیت حرام نمود؛ پس حقیقتاً تقوی خدا را پیشه کنید و مبادا با دین غیر اسلام از دنیا بروید و در آنچه خداوند شما را به آن امر فرموده یا نهی نموده از او اطاعت کنید، زیرا تنها بندگان دانای خدا از عظمت او می‌هراسند.» (آل عمران/ ۱۰۲) فلسفه دستورات دینی به‌صورت مختصر از سوی حضرت زهر(س) بیان شد تا هنگامی که در ادامه دعا می‌فرمایند به ولی خدا روی بیاورید، مردم دلیل آن را بفهمند و بدانند که کسی جز علی(ع) نمی‌تواند راه درست را پیش پای مسلمانان بگذارد و زندگی دینی و اخلاقی را برای آنها ترتیب دهد. گفتنی است، اینکه خطبه الهی، دینی، اخلاقی و انسان‌ساز حضرت فاطمه زهر(س) به خطبه فدکیه معروف شده است، نباید ما را در نگاه به خطبه دچار اشتباه کند و فکر کنیم ایشان برای باز پس‌گیری باغ فدک این سخنان گهربار را فرمودند یا در خلال بیانات‌شان قصد داشتند بهره‌بردار می‌کنند و

آیه

عمل به کلام وحی

نگاهی بر مهم‌ترین توصیه حضرت زهر(س)

نشوند و تفسیر و تبیین افراد غیر معتبر درباره قرآن را به‌عنوان تفسیر حقیقی قبول نکنند. تاریخ نشان داد که بی‌توجهی مردم به توصیه و هشدار حضرت فاطمه(س) مساوی بود با انواع گرفتاری‌ها، سختی‌ها و ذلت‌ها که هنوز هم ادامه دارد. آنچه ایشان در خطبه‌شان در مسجد مدینه فرمودند، بسیار دقیق و اصولی بود؛ از جمله آنکه دلیل وجود دین و کارایی آن در زندگی بشر را نیز تبیین فرمودند. قسمتی از سخنان ایشان این است که: «خداوند، ایمان را برای پاکی شما از شرک و نماز را برای پاکیزه نمودن شما از کبیر و زکات را برای پاکیزگی نفس شما از آلودگی و رشد روزی شما و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای تقویت و تحکیم دین و عدالت را برای هماهنگی بین دل‌ها و اطاعت از ما اهل بیت را برای نظم شریعت و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه و جهاد را برای عزت اسلام و ذلت کافران و منافقان و صبر را وسیله‌ای برای جلب اجر و پادش و امر به معروف را برای مصلحت مردم و نیکی به پدر و مادر را برای مصون ماندن شما از غضب خود و رسیدگی به خویشاوندان را موجب طولانی شدن عمر و رشد جمعیت و قصاص را برای جلوگیری از ریختن خون‌ها و وفای به نذر را به‌خاطر قرار گرفتن در معرض

ارتباط اهل بیت(ع) با قرآن ارتباط عقلانی، علمی، عاطفی و کارآمد بود. ایشان کاشفان نور قرآن بودند؛ اما کشف‌شان از نوع عمل به دستورات آن بود. اگر اهل بیت(ع) نبودند، ما نمی‌توانستیم مفاهیم و معانی قرآن را بفهمیم تا به آن عمل کنیم. در واقع، عمل ائمه اطهار(ع) بود که ما فهمانند می‌توان قرآن را نصب‌العین قرار داد، اصولش را شناخت و به آن عمل کرد. ایشان بودند که ساختاری برای ظهور و بروز قرآن در زندگی بشریت ایجاد کردند و این سازمانده‌ها را جزء اصول مسلمانی قرار دادند. مطمئناً با این ذهنیت بهتر می‌توان منظور این آیه را فهمید که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/ ۲۸) حضرت صدیق‌طاهر(س) در خطبه شریف‌شان این آیه را شاهد مثال آورده و از مردم مدینه می‌خواهند با توجه به این دستور خداوند به علمایی مراجعه کنند که قرآن را می‌فهمند و می‌توانند آیه به آیه آن را در عمل نشان دهند. تلاش حضرت زهر(س) این بود که مردم از اصل دین جدا



سید حسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

راهنا

فقه و هوش مصنوعی

حجت الاسلام محمد علی خادمی کوشا: بایسترفت و طراحی های فناوری که امروزه در مراکز مختلف مشاهده می‌کنیم بعید نیست در آینده استیاب‌های فقهی توسط هوش مصنوعی دنبال شود. فناوری فقط به عنوان یک موضوعی در کنار زندگی انسان مطرح نیست بلکه عرصه گسترده آن تمام زوایای انسان را گرفته و امروزه در هیچ‌جایی از دنیا نبود فناوری را مشاهده نمی‌کنید. فقه به عنوان عهده‌دار بیان احکام مربوط به بشر است نمی‌تواند نگاهی به فناوری نداشته باشد. تعامل میان فقه و فناوری نیز فقط به بررسی فناوری توسط فقه ختم نمی‌شود بلکه میان فقه و فناوری یک رابطه دوطرفه تجلی کرده چرا که فقه نمی‌تواند خود را از فناوری جدا کند.



احکام

اموال زوج بعد از طلاق

پرسش: آیا در صورتی که مردی زنش را طلاق دهد، جایز است آن زن اموالی را که خانواده‌اش هنگام ازدواج به او داده‌اند (مانند فرش، رختخواب و لباس) از شوهرش مطالبه کند؟

پاسخ: اگر از اشیایی باشند که زن از خانواده‌اش گرفته یا از چیزهای شخصی باشند که برای خودش خریده یا به شخص او هبه شده باشند، ملک اوست و در صورتی که موجود باشند، حق دارد آنها را از شوهرش مطالبه کند؛ ولی اگر از چیزهایی باشند که از طرف خانواده یا اقوام او به دامادشان که شوهر اوست، هدیه شده باشند، نمی‌تواند آنها را از شوهرش مطالبه کند؛ بلکه اختیار این قبیل اموال در دست کسی است که آنها را به زوج هدیه کرده است، که اگر عین آنها باقی مانده و زوج هم از ارحام آنان نباشد، جایز است هدیه‌کننده هبه را فسخ کند و آن مال را پس بگیرد.

رهبر معظم انقلاب
اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۱۷۲۴

سلوک

تسلیم ولایت بودن

آیت‌الله حسن حسن‌زاده‌آملی: عمری آه در بساط نداشتیم و اکنون جز آه در بساط ندارم. الهی! غیظه ملائکه‌ای را می‌خورم که جز سجود نمی‌دانند، کاش حسن از ازل تا ابد در یک سجده بود. الهی! تا کی عبد الهی باشم، به عزت تو عبد الهی شدم. زیارت تو، حج تو، مکه تو و کربلا تو فقط بذری است که می‌افشانی، از آن به بعد اوست که باید سبزش کند. ما چه می‌دانیم؟ شاید به صلاح ما نباشد که این بذر الآن سبز شود. انسان باید آن تسلیم ولایت را پیدا کند و بداند همین هست و بس، نباید به اینکه چه می‌دهند و چه نمی‌دهند، کاری داشت.



| تقویم انقلاب |

ایران حامی صلح

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ پس از عملیات حماسی و وسیع «طریق‌القدس» اوضاع به گونه‌ای رقم خورد که در محافل خبری از جنگ و صلح صحبت می‌شد. البته ایران همواره خواهان صلح بود؛ کشوری که تازه انقلاب کرده و در حال بنیانگذاری نظام جدیدی بود، طبیعتاً خواهان استقرار صلح با کشورهای همسایه‌اش بود. با نگاهی گذرا به موضع امام راحل و سایر مسئولان رده بالای نظام اسلامی به خوبی موضع صلح در پایان جنگ دیده می‌شود که به طور طبیعی با شروطی همراه بود؛ اما رژیم بعث حاکم بر عراق براساس محاسبات غلط غربی‌ها و کشورهای مترع منطقه - که در رأس آنها آمریکا قرار داشت - به دنبال سیاست‌های توسعه‌طلبانه صدام و منافع غرب بود. صدام با چراغ‌های سبز آمریکا مرزهای ایران را شکست و با تجاوزهای هوایی، زمینی و دریایی جمعیت کثیری از مرزنشینان ایران را در پنج استان آواره کرد. افزون بر آن، برای همه دنیا آشکار شده بود که حاکمان حزب بعث در بغداد بویی از انسانیت و صلح نبرده‌اند. به عبارتی کسانی بودند که نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند بفهمند که می‌توان جنگ تحمیلی را با صلح هم پایان داد؛ اما از آنجایی که اگر عناصر رژیم متجاوز یعنی از مواضع خودخواهانه و دنیایی‌شان گذشته و به شروط ایران برای صلح و پایان جنگ تن می‌دادند، قادر نبودند پاسخ درستی به مردم خودشان بدهند یا حداقل جریان‌های سیاسی داخل کشورشان را قانع کنند، در یک بن‌بست چند سویه درآمده بودند. از طرفی به مردم‌شان هم وعده داده بودند که به ایران می‌رویم و برای شما زمین و غنایم بی‌شماری را به ارمان می‌آوریم. این در حالی است که پس از ۱۵ ماه تجاوز و ویران‌گری هیچ پاسخ توجیه‌پذیری به ملت خودشان نداشتند که بدهند. از طرفی اجساد بی‌شماری از خانواده ملت‌شان و نیروهای مسلح‌شان، به ویژه از کشورهای خارجی در ایران دفن شده بودند. پس اگر مواضع صلح واقعی را در پیش می‌گرفتند، ملت عراق به شدت آنها را مواخذه می‌کرد؛ از طرفی رژیم متجاوز حاکم بر عراق نمی‌توانست پاسخ این پرسش را به ملت خودش بدهد که «شما که می‌خواستید با این خفت صلح کنید، پس چرا جنگ راه انداختید و به ملت عراق خسارت وارد کردید؟» بر این مبنای بعضی‌های متجاوز شهامت اعلام مواضع صلح را نداشتند؛ اما ایران همواره بر صلح شرافت‌مندانه تأکید می‌کرد و خواستار آن بود. در این زمینه به مصاحبه آیت‌الله‌العظمی امام خاتمه‌ای، رئیس‌جمهور وقت در اول دی ماه سال ۱۳۶۰ اشاره می‌شود که ایشان اعلام کردند: «حاضریم که صلح شرافت‌مندانه کنیم. اولین قدم صلح این است که طرفین مایل به تجاوز نباشند. اگر دشمن ما مایل به تجاوز نیست، اولین قدم او این است که از سرزمین ما بلافاصله عقب‌نشینی کند و چون عقب‌نشینی نمی‌کند، پس ادعایش دروغین است. ما هم حاضریم صلح کنیم و هم حاضریم شرافت‌مندانه در میدان بجنگیم. هر دو برای ما علی‌السویه است.» در اینکه ایران به دنبال صلح بود، هیچ شک نیست؛ اما دشمنان انقلاب اسلامی دامن زدن به جنگ را دنبال می‌کردند؛ چون منافع‌شان در ادامه جنگ بود، نه صلح.

ادعای تقلب

مروری بر روند برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی-۷



انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار شد. این حزب که به دلیل مخالفت با نحوه برگزاری انتخابات، تصمیم به تحریم آن گرفته بود، با انتشار بیانیه‌ای نتایج این انتخابات را مخدوش و مصوبات آن را بی اعتبار بیان کرد. در این بیانیه آمده بود: «دولت موقت انقلاب با خوش وقتی از پایان آزادترین انتخابات تاریخ ایران خبر می‌دهد و به این ترتیب توطئه بزرگی علیه انقلاب ایران شکل می‌گیرد، توطئه برای قربانی کردن انقلاب ایران در پیشگاه انحصارجویان و ارتجاع‌طلبان، دولت موقت انقلاب در این انتخابات نیز همچنان سیاست پنهانکاری را دنبال کرد و هنوز تعداد کل رأی‌دهندگان حوزه‌های مختلف اعلام نشده است و به این ترتیب هنوز به درستی معلوم نیست که چند نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند.»

«اتحاد بزرگ ملی» از دیگر احزاب ملی‌گرا نیز در بیانیه‌ای مشابه با زیر سؤال بردن سلامت انتخابات مجلس خبرگان نوشت: «با وجودی که برای اولین بار پس از ۵۰ سال شرایط موجود برای برگزاری انتخابات آزاد فراهم بود و از طرف دولت موقت فعالیت‌هایی در جهت آن صورت گرفت؛ ولی قبل از شروع انتخابات عناصر غیرمسئول و تحریک شده از تبلیغات نیروهای سیاسی غیر مذهبی به عنوان مختلف جلوگیری کردند و شعارها و اطلاعیه‌های آنان به طور زنده‌ای پاره شد.»

آقای بهشتی، دبیرکل حزب در مقابل این اتهامات ساکت نشست و طی سخنانی در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۵۸، آن را رد کرد و با بیان اینکه: «اگر یک حزبی مورد علاقه مردم باشد، این کمال آن حزب است» به ادعای شکست‌خوردگان پاسخ داد. بهشتی در این مصاحبه به درخواست برخی گروه‌های معترض مبنی بر ضرورت ابطال انتخابات خبرگان قانون اساسی نیز اشاره کرده و با اظهار اینکه در صورت وجود مستندات قانونی کافی به قانون تمکین خواهد کرد، گفت: «اگر منظور ابطال انتخابات این نوع تخلف جزئی در گوشه و کنار است، تصمیمش با هیئت اجرایی انتخابات و انجمن نظارت است و برای این تصمیم ضوابطی هست و اسناد لازم در اختیار آنهاست. آنها صالح‌ترین گروهی هستند که در این باره اظهار نظر می‌کنند؛ ولی نظر شخص بنده این است که اگر چهار بار هم الان انتخابات را تجدید بکنند، انتخابات منزه از این نارسایی‌ها را در این مرحله که هستیم نمی‌توانیم داشته باشیم. ما باید در یک جریان به این تکامل برسیم. تکامل ناگهانی مگر می‌شود؟ آیا ممکن است یک جامعه‌ای دفعتاً به یک کمال اجتماعی برسد. ممکن نیست!»

در همان ایام آقای هاشمی‌رفسنجانی - معاون وزیر کشور - که از نزدیک در جریان امور بود، در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «انتخابات کلا سالم برگزار شد و مردم با آگاهی نمایندگان خودشان را انتخاب

کردند و با در نظر گرفتن اینکه این انتخابات، اولین انتخابات رسمی بعد از پیروزی انقلاب بود، می‌توان گفت که میزان تخلفات نیز حداقل بود... و اینهایی که اعتراض می‌کنند به هیچ وجه نمی‌توانند ادعای خودشان را مبنی بر وجود تخلفات ثابت کنند... این اعتراض‌ها بیشتر مغرضانه است.»

این سر و صداها و های و هوی‌های دروغین در حالی بود که مهندس هاشم صباغیان، وزیر کشور دولت موقت و مجری انتخابات از اتهامات گروه‌های سیاسی بازنده چنین یاد می‌کند: «هم در شیراز و هم از سوی مجاهدین این اتهام مطرح شد. در شیراز، پسر یکی از مراجع انتخاب نشده بود و می‌گفت تقلب شده. من هم مصاحبه کردم و گفتم که این سالم‌ترین انتخابات بوده. البته یک چیزی هم در آن انتخابات گفتم. گفتم تا زمانی که ریشه بی‌سوادی از جامعه کنده نشود، در جامعه‌ما، انتخابات صدرصد آزاد و سالم نمی‌شود. چرا؟ چون رأی آدم بی‌سواد را باید کس دیگری می‌نوشت. اگر فرزندش بود که مطمئن بود، اما اگر به کس دیگری می‌داد، ممکن بود سوءاستفاده شود. به هر ترتیب ادعا کردند که در انتخابات تقلب شده، رجوی را از جایی خواندند. اتفاقاً ما تمام صندوق‌ها را حفظ کرده بودیم، به ویژه در تهران. رفتیم سالن مدرسه البرز. هیتی از طرف شورای انقلاب و نماینده مجاهدین انتخاب شد که بروند و آرای صندوق‌ها را بشمارند. اگر برای نمونه سیصد تا صندوق در تهران بود، به شکل رندوم بیست تا را انتخاب کردند و آرا را دوباره شمرند. دیدند نه! اشتباهی انجام نگرفته و تقلبی نشده است. رفتیم به شکل عملی، جلوی دوربین و جلوی چشم مردم با این شش‌به‌رو برویم. بعد در زمان خود انتخابات، ما جلوی چشم خبرنگاران لحظه به لحظه آمار را اعلام کردیم. خود آنتهای که می‌گفتند تقلبی شده، در تمام مرحله‌های انتخابات بودند. اتفاقاً من در آیین‌نامه انتخابات، نخستین باری بود که مسئله ناظر را در آن آیین‌نامه آوردم؛ اینکه کاندیداها باید ناظر داشته باشند. ناظر گذاشتند و ناظر هم در تمام چهار مرحله انتخابات حاضر بود؛ یک: موقع رأی دادن، دو: موقع شمارش آرا، سه: تجمیع آرا، چهار: اعلام آرا. در این مراحل ممکن است تقلب انجام شود که در تماشای ناظر تمام گروه‌ها بودند.»

حافظه |

گست جمعیتی

مروری بر نتایج دو قرن تجارت برده استعمارگران

برآوردها به ۳۰ میلیون نفر می‌رسد و فقط از این عده ۱۵ میلیون نفر را به آمریکا رسانده و فروخته‌اند. در آن هنگام جمعیت آفریقا بیش از ۹۰ میلیون نفر نبود، باید توجه داشت که بردگان را از میان جوانان (اکثریت جمعیت جوان قاره) می‌گرفتند، پس آثار منفی این کار در جوامع آفریقا بسیار مهم و زیان‌بخش بود.»

نویسنده کتاب «تاریخ آفریقا» نیز معتقد است: «تجارت سیاهان آفریقا حدود ۱۰ میلیون انسان



را در بر گرفت؛ ولی اعداد حقیقی بیش از اینهاست و می‌توان آن را حدود ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زد؛ زیرا باید به حساب آورد که برای گرفتن یک برده پنج آفریقایی باید کشته می‌گردید و گروهی از بردگان نیز از مرض و جنگ و حمل‌ونقل جان می‌دادند و کسانی به مقصد می‌رسیدند که بسیار قوی و خیلی باهوش بودند و به همین دلیل دارای ارزش فوق‌العاده بودند.

آنها در مقابل سیستمی استقامت کرده بودند که برای بشر معمولی امکان مقاومتش نادر بود. تاریخ حیات انسان چنین تجارت ننگین و شرم‌آوری را هرگز فراموش نخواهد کرد و چنین صفحات تاریکی را نباید گذاشت تحت هر عنوانی تکرار گردد.»

در بیش از دو قرن تجارت برده، نه تنها ثروت‌های مادی و نیروی انسانی قاره آفریقا به تاراج رفت؛ بلکه سکنه این قاره نیز به جوامعی ناموزون و فاقد ساختار متعادل جمعیتی و فرهنگی و نیز بیگانه با میراث تاریخی خویش مبدل شدند و بدین سان ساختارهای سیاسی و اجتماعی آنان نیز منهدم شد. این فاجعه‌ای بزرگ‌تر از کشتار و اسارت انسانی و تاراج ثروت‌های مادی است؛ زیرا امکان نوزایی قاره آفریقا را برای دورانی طولانی از میان برد. عامل اصلی عقب‌ماندگی قاره آفریقا این است که مردان، به ویژه مردان جوان، به اسارت برده شده یا به قتل رسیدند و در نتیجه جمعیت زنان به شکل نامتعرفی غلبه یافت.

«پل بروک» در کتاب «جهان مسوم در بن بست» در این‌باره می‌نویسد: «در این دوران بازرگانی برده، چنانکه در پیش نیز گفتیم، بسیار توسعه گرفت. نزدیک به ۱۵ میلیون برده و سیاه‌پوست را از آفریقا به مناطق مختلف آمریکا بردند. ضمناً نباید فراموش کرد که ضریب مرگ این دسته از انسان‌ها، به علت شرایط بسیار نامساعد و هراس‌انگیز حمل‌ونقل بسیار بالا بود. با در نظر گرفتن این نکته شاید بتوان گفت، تعداد افرادی که اروپاییان از آفریقا به بردگی بردند، نزدیک به ۲۰ میلیون و حتی به موجب بعضی

| دهلیز |

توهمات شاهانه

نگاهی به ناتوانی دربار رژیم دیکتاتوری پهلوی

کرده‌بودم، در پاسخ به گفته‌های شاه کوشیدم تا نتایج منفی حاصل از چنین عقایدی را برایش توضیح دهم، ولی احساس کردم که بیوه‌دارم و قتم تا تلف می‌کنم؛ چون شاه به «تمدن بزرگ» ادعای خود، همچون کودکی که به اسب چوپیش عشق می‌ورزد، می‌نگریست و آن را به صورت یک دنیای طلایی مجسم می‌کرد. در حالی که «تمدن بزرگ» او یک دنیای خیالی بیش نبود. جامعه‌ای که شاه آن را می‌دید، با «واقعیت» فرسنگ‌ها فاصله داشت... تعجب من بیشتر از این بود که مطهر شاه پس از ۳۷ سال سلطنت هنوز به خطر چاپلوس‌ها و تملق‌گوها واقف نشده‌است؟ فوادروحانی (که ترجمه انگلیسی کتاب «به سوی تمدن بزرگ» را انجام داده است) با سهیلا شاهکار و من، هم عقیده بود که این کتاب را اگر حاصل تراوشات مغز یک مجنون ندانیم، چاره‌ای نداریم جز آنکه مطالبش را نوعی هذیان‌گویی تلقی کنیم. چون شاه در کتابش به ترسیم جامعه‌ای پرداخته بود که هرگز نمی‌شد در جایی نظیرش را یافت. ما آنقدر که راجع به انتشار چنین مطالبی نگرانی داشتیم، به عکس‌العمل‌های نامطلوبی که مسلماً به وجود می‌آورد، فکر نمی‌کردیم.»



یکی از معضلات شاه پهلوی که به عاملی برای سرنگونی وی بدل شد، توهماتی بود که وی از حکومت خود داشت؛ البته اطرافیان چاپلوس در شکل‌گیری این تصویر نقشی اساسی داشتند. «فریدون هویدا» نویسنده کتاب «سقوط شاه» که در دربار رفت و آمد داشت، می‌نویسد: «در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۷ در یک بعدازظهر در کاخ منتظر فرار رسیدن نویم بود... بعد از اینکه نوبت ملاقات به من رسید، شاه بلافاصله سخنانی در باب لزوم تعقیب سیاست لیبرالیستی در مملکت آغاز کرد و مثل همیشه بدون آنکه حتی یک لحظه به من فرصت اظهار نظر بدهد، درست مثل شخصی که دارد تمرین نطق می‌کند پشت سر هم حرف زد. تصویری که شاه از مملکت و پیشرفت‌های آن ترسیم کرد خیلی خوش‌بینانه بود... شاه ضمن صحبت‌هایش به ناآرامی‌هایی که در کشور پدید آمده بود نیز اشاره کرد و ضمن آن چنین گفت: «... حوادث تبریز و اصفهان به نظر نمی‌رسد که اهمیت چندانی داشته باشد. چون اینها بهایی است که باید برای برقراری دموکراسی در کشور پرداخت شود. مسئله آنقدرها هم خطرناک نیست. اصلاً باید دید چه کسانی با من مخالفند. چینی؟ که کسی او را به حساب نمی‌آورد... سنجایی و بقیه؟ که اصلاحات ندارند و بعضی‌های‌شان هم که خیانتکارند... همین طور که سخنان شاه را گوش می‌کردم، به نظرم رسید که دارد عیناً جملات کتاب جدیدش «به سوی تمدن بزرگ» را برایم می‌خواند (علت آشنایی من با جملات کتابش هم این بود که در آن زمان تازه ترجمه «به سوی تمدن بزرگ» به زبان فرانسه را که به دستور او و با کمک همکارم سهیلا شاهکار انجام دادم. تمام

فساد

سیستمی یا شبکه‌ای؟



مصطفی قربانی
دکترای علوم سیاسی

وقوع فساد در هر سطح و هر نوعی اگر چه امکان‌پذیر است، اما در هر جامعه‌ای جرم تلقی می‌شود. با این حال، آنچه فساد را به مسئله‌ای عادی یا کلان، مزمن و بی‌غرنج تبدیل می‌کند، ماهیت وقوع و عاملان آن است؛ به این ترتیب که ممکن است فساد از سوی یک یا چند فرد خاص یا از سوی شبکه‌ای از افراد انجام شود یا در سطحی فراتر و پیچیده‌تر، اساس سیستم و ساختار موجود گرفتار و مشوق فساد باشد. در شق سوم که «فساد سیستمی» هم گفته می‌شود، فساد در سراسر اقتصاد و سیاست و نظام اجتماعی ساری و جاری می‌شود.

در ایران نیز سه اقتضای اوضاع اقتصادی-سیاسی کشور، شاهد وقوع فسادهایی هستیم که در ماهیت‌شناسی آنها، اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. با توجه به وقوع و علنی شدن این فسادهای، برخی کشورها را گرفتار فساد سیستمی می‌دانند و برخی دیگر، باره این ادعا، این فسادهای را نه مختص سیستم، بلکه ناشی از انگیزه‌ها و اهداف شوم برخی افراد و کارگزاران می‌دانند. علنی شدن فساد اخیر در قضیه واردات «چای دبش»، بار دیگر مجالی را فراهم کرد تا به صورت جدی‌تر به این موضوع پرداخته شود.

چستی فساد سیستمی؟

برای فهم دقیق‌تر ماهیت فسادهای رخ داده در کشور، ابتدا باید فساد سیستمی را تعریف کرد. فساد ساختاری یا سیستمی آن نوع فساد است که عاملان و از روی قصد و آگاهی در درون سیستم به آن دامن زده می‌شود و اساساً در فساد سیستمی، نه تنها سیستم و ساختار موجود فساد است، بلکه اساساً مشوق فساد است. در کل، فساد سیستمی چند ویژگی دارد که عبارتند از:

- ۱- ساختارهای موجود فسادزا و مشوق فسادند؛
- ۲- همه ارکان و اجزای سیستم موجود گرفتار فسادند؛

۳- با وجود آگاهی و علنی شدن فساد، انگیزه و توانی برای مقابله با آن وجود ندارد (اساساً در فساد سیستمی نوعی رابطه‌ی مشتری‌گویی یا کلانتالیسم (Clientelism) میان کارگزاران و دستگاه‌های آلوده به فساد شکل می‌گیرد و هر یک از آنها در نقش مکمل و کار چاق‌کن دیگری ظاهر می‌شوند)؛

۴- گرفتار شدن ناظران و دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد به عارضه فساد از دیگر ویژگی‌های فساد سیستمی است.

در کنار فساد سیستمی، فساد فردی و شبکه‌ای وجود دارد که تعریف فساد فردی واضح است، اما فساد شبکه‌ای آن است که شبکه‌ای از افراد در ارتباط با هم، حالا در درون یا برون دستگاه‌های رسمی، به فساد دست بزنند. برای نمونه، همان‌گونه که در قضایایی مانند پرونده برادران آریا یا پرونده طبری مشاهده شد، در وقوع این فسادهای شبکه‌ای از افراد وجود دارند که با ارتکاب اعمال مجرمانه و دور زدن قانون، در ارتباط با هم مرتکب فساد شده بودند و سیستم هیچ پشتیبانی و تشویقی از آنها برای اعمال فساد انجام نداده بود.

ماهیت‌شناسی فسادهای موجود

فسادهایی که در سال‌های اخیر در کشور به وقوع پیوسته و تعداد آنها هم زیاد شده است؛ از جمله فساد رخ داده در قضیه واردات چای دبش، از نوع سیستمی نیست؛ زیرا در این فسادهای، نه سیستم موجود مشوق فساد است و نه در صورت کشف فساد، ناتوان از برخورد با مفسدان است و نه اساساً همه دستگاه‌های موجود گرفتار فسادند. آنچه در این سال‌ها در کشور اتفاق افتاده، فساد شبکه‌ای است که مبتنی بر ارتباط برخی افراد با هم و وجود انگیزه‌های لازم در آنها برای وقوع فساد است و الزماً هم این افراد در جاهای گوناگون حضور داشته و همدیگر را کشف می‌کنند. برای نمونه، ممکن است چند نفر آنها در بانک باشند، چند نفر دیگر در قوه قضائیه و سازمان ثبت باشند، چند نفر دیگر در فلان دستگاه یا وزارت خانه باشند که در ارتباط با هم توانسته‌اند اعمال مجرمانه را به صورت شبکه‌ای انجام دهند.

نکته مهم‌تر در این زمینه آن است که اگر فسادهای رخ داده در کشور ماهیت سیستمی داشت، دستگاه‌های نظارتی آن را علنی نمی‌کردند.



همین موضوع نشان می‌دهد، فسادهای رخ داده نه تنها ماهیت سیستمی ندارد، بلکه اتفاقاً نظام در برخورد با فساد مصمم و جدی است؛ زیرا تا کنون بارها ثابت شده است که به محض مشخص شدن هر نوع فساد، نظام نه تنها آن را لاپوشانی و کتمان نکرده، بلکه در چارچوب قانون با آن برخورد کرده است. علنی‌سازی و برخورد با فساد برخی دانه‌درشت‌ها و وابستگان به مقامات بلندپایه کشور در دوره‌های مختلف، خلع ید از افرادی است که با خصوصی‌سازی‌های فسادآلود شبکه‌ای برخی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی را تصاحب کرده بودند و مواردی از این دست از ماهیت فسادستیزی نظام اسلامی حکایت دارد.

سخن پایانی

آنچه در ارتباط با قضایای مختلف ذهنیت افکار عمومی را شکل می‌دهد، محصول «استقرای ناقص» است؛ به این ترتیب که با مشخص شدن تعداد انگشت‌شماری فساد، افکار عمومی آن را به کل نظام و کارگزاران متمیم می‌دهد. حال آنکه اولاً این فسادهای با وجود قبیح بودن اندک است و ثانیاً شمار کارگزاران پاک‌دست و سالم نظام بسی فراتر از برخی مفسدان است و کارنامه نظام هم در مبارزه با فساد، کارنامه قابل دفاعی است.

بسیار این حال، در مواجهه درست و کارآمد با این قضیه باید به دو نکته بسیار مهم توجه داشت: اول تهیه و تنظیم پیوست رسانه‌ای مناسب برای برخورد با فساد؛ به این ترتیب که با علنی کردن یک فساد، اتفاقاً کار رسانه‌ای باید به گونه‌ای انجام شود که افکار عمومی نسبت به سلامت و دقت نظام در برخورد با فساد و مفسدان اطمینان یابد. دوم، برخورد هر چه سریع‌تر با مفسدان و خودداری از هر گونه اطاله دادرسی در این زمینه و در نهایت، علنی‌سازی احکام قضایی که به منظور مجازات مفسدان اعمال خواهد شد. حتی علنی‌سازی دادگاه‌های رسیدگی به پرونده متهمان این قبیل قضایا و قرار دادن افکار عمومی در جریان و نحوه رسیدگی به جرایم آنها می‌تواند ضمن ایجاد شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق از ابعاد موضوع، راه را بر تخمین‌های نادرست و تخریب‌های دشمنان مسدود کند.

آفاق

چهره پنهان سیاست - ۱۰۸

نفوذ علوم سکولار

انسانی در کشورهای غربی در ادامه این وضعیت نیز همواره تلاش کردند دستاوردهای غربی این علوم را حفظ و روزآمد کنند. البته وجه پنهان این تلاش، در نفوذ قدرت‌های غربی ریشه دارد که علاقه‌مندند مدیریت علوم انسانی همواره تحت اشراف آنها باشد. واقعیتی که «لائوش» این‌گونه ترسیم می‌کند: «غرب یک سحالی است که همانند دنیای پاسکال (زبان برنامه‌نویسی) مرکزش در همه جا و محیطش هیچ جاست. غرب ماشین اجتماعی گسترده‌ای شده است که نقاط ثقل آن در مغز ماست و... علاقه‌مند است که منطق خود را به کل شرایط زندگی متمیم دهد.» (لائوش، ۱۳۷۹: ۸۹)

بنابراین، نکته حائز اهمیت این است که علوم انسانی همیشه تابعی از مدل ایدئولوژی حاکم بر عالم غرب‌مدرن بوده است. از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی به بعد که ایدئولوژی حاکم بر عالم غرب مدرن یک ایدئولوژی نولیبرال می‌شود، نتایج آن را به صراحت در رشته‌های علوم انسانی، از جمله روان‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، به وضوح دیده می‌شود. (شهریار زرشناس، ۱۳۹۳/۱۰/۲۳)

توجه به این نکته اگر چه دانشگاه‌های غربی به مثابه مترویل و متعاقباً بخش قابل توجهی از دانشگاه‌ها در جوامع غیرغربی که به مثابه اقدار آنها عمل می‌کنند، مروج علوم انسانی سکولار هستند؛ اما باید اذعان کرد این دانشگاه‌ها مستقیم و غیرمستقیم ثمره سیاست‌گذاری‌های حکومت‌های غربی بودند، یعنی به لحاظ برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و ترویج برنامه و طرز ارائه نقشه جامع حرکت علمی علوم انسانی، تمام آنها از سوی دولتمردان و حاکمان برنامه‌ریزی شده است.

سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۷۱

پرچم‌داران تبیین

امیر قلبی‌زاده

کارشناس فرهنگی

و روشنگری است. ۲- بصیرت و دشمن‌شناسی: علاوه بر مسلح بودن به سلاح قوی و مؤثر علم و دانش، دشمن‌شناسی و داشتن بصیرت، مسئله‌ای حیاتی برای جهاد فی سبیل الله است. در واقع، علم به تنهایی کفایت شرکت در این جهاد را ندارد و در کنار آن بینش و بصیرت سیاسی و شناخت دقیق جبهه دشمن هم ضروری است. رهبر معظم انقلاب در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۹ فرمودند: «امروز این جوان‌های دانشجو و غیر دانشجو را که مشاهده می‌کنید حالا من دانشجویها را می‌گویم. همه شش‌ان تقریباً و تلقیباً مشتاقند از مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی چیزهایی را بشناسند و چیزهایی را بفهمند و سر در بیاورند. من و شما باید زمینه فراهم کنیم که بتوانیم به آنها جواب دهیم. این فرصت تا امروز کمی برای روحانیت وجود داشته؟ علاوه بر این، ابزارهای تسهیل‌کننده، مثل رایانه‌ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سلبی‌ری هم که الان در اختیار شماست. اگر بتوانید آنها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرف در دست خودتان را به هزاران مستعیمی که شما آن را نمی‌شناسید، برسانید؛ این فرصت فوق‌العاده‌ای است؛ مبادا این فرصت ضایع شود. اگر ضایع شد، خدای تعالی از من و شما روز قیامت سؤال خواهد کرد: از فرصت این همه جوان، این همه استبصار، این همه میل و شوق به دانستن، شما برای ترویج معارف اسلامی چه استفاده‌ای کردید؟ نظام اسلامی یک چنین خدمتی به ما محممین و روحانیون کرده. مگر می‌توانیم خودمان را کنارت بگیریم؟»

سیاست‌نامه

سیدعبدالحسین لاری - ۳۵

سلطه‌جویی ممنوع



فتح‌الله پریشان
دبیر گروه اندیشه

سیدعبدالحسین لاری در زمانه‌ای می‌زیست که مخالفت با ظلم و استبداد، اولویت اول سیاسی وی بوده و مواجهه با هجوم خارجی یا هر نوع رابطه سلطه‌جویانه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های آن زمان را شکل می‌داد. سید لاری فقهی بود که راه مبارزه با ظلم را در پیش گرفته بود. چه بسا با در نظر داشتن این دو مهم، شناخت بهتری از منش سیاسی و اندیشه‌های سید لاری حاصل شود.

سخنان سیدلاری در مواجهه با هجوم بیگانگان رویکرد شجاعانه دینی وی را نشان می‌دهد. وی می‌کوشید تا از در مخالفت با آنان درآید و بر عملکرد و رویکرد ظالمانه انگلیس و روسیه زمانه خود بسازد؛ به گونه‌ای که ابالیس (انگلیس) و «روس» را با هیچ‌یک از انواع چهارپایان و جانوران بیابانی و درندگان با همه پلیدی و ناپاکی و درنده‌خویی غریزی قابل مقایسه نمی‌دید؛ بلکه آنها را پلیدتر و فاسدتر از شیاطین جاندار می‌دانست.^(۱)

سیدلاری گویی آینده تقلید و تشبه جستن به غربی‌ها را به بهانه نظم و ترتیب می‌دید و لذا اهتمام عجیبی داشت تا بیگانگان ظالم در حق مسلمانان را مطرود و مطعون بدانند و هیچ‌گونه اقبالی به آنها نشان ندهد: «هرگز نباید توهم و اشتباه کرد که اینها (غربی‌ها) دارای نظم و ترتیب هستند، چه شدت فساد و تباهی آنها به اندازه‌ای است که [إِذْ دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذًىةً] (نمل/۳۴)؛ چون به داری روی آورند، کشور را ویران سازند، و عزیزان آن را ذلیل گردانند.» سید لاری سپس این‌گونه علیه اروپایی‌ها که آنان را بیگانگان می‌نامد، می‌شورد: «مسلم است که تمام اسلحه و مال و دارایی و جان و ایمان و اختیار مردم را از هر جهت خوارند گرفت و خوشی را از مردم سلب کرده، مهر خموشی بر زبان آنان خواهند زد. حتی اختیار دین و آیین و آبرو و شرف و ناموس و حیثیت برای آنها باقی نمی‌گذارند و از هیچ امری فروگذار نخواهند کرد مگر آنکه آن را در حیطه تصرف خود درآورند و عزیزان و بزرگان مملکت را بنده زر خرید خود گردانند و با هزاران گونه ننگ و وابسته به خود کنند.»^(۲)

سید درباره قرار دادها و معاهداتی که فرمانروایان و کارگزاران حکومتی کشورهای اسلامی با بیگانگان منعقد کرده‌اند و موجب گسترش و نفوذ بیگانه‌ها و اشغال بخشی از سرزمین‌های اسلامی شده و استقلال مسلمین را به خطر انداخته است، این‌گونه سخن می‌گوید: «هر قرار و مداری و رأی و حکم و معاهده پیمانانی که از روی نادانی و سفاهت و نادرستی و یا با زور و فریبکاری و ستم‌کاری یا از روی مخالفت با قانون شریعت اسلامی از وکلا و امناء دولت اسلامی صادر گشته است، بیهوده و باطل و غیر قابل اجرا بوده و به هیچ وجه قابل قبول نیست، چرا که عمل سفیهان و نابخردان و خطاکاری آنان در حق خود آنها، از نظر شرعی و هم از دیدگاه خرد، روا و نافذ نیست چه رسد به آنکه در حق دیگر مسلمانان مطاع، نافذ و قابل اجرا باشد.»^(۳)

منابع در دفتر نشریه موجود است.

نکته گرام

علی شمعانی، فعال سیاسی: در شرایطی که نتایج در جنگ با حماس به بازنده بزرگ تبدیل شده، نظرسنجی‌ها در داخل رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد، ۷۲ درصد خواهان استعفای او هستند. باخت هم‌زمان نتایج در جنگ سیاسی و جنگ نظامی، رگ‌وردهای منفی جدیدی برایش به ثبت رسانده است.

حسن عابدینی، فعال رسانه: آمریکا با وتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر آتش‌بس در غزه نشان داد با جان و دل ولو به قیمت رسوایی آشکار نزد افکار عمومی جهانیان، حامی جنایات رژیم نژادپرست عبری است؛ البته انگلیس هم رأی ممتنع داد.

امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر مسائل آمریکا: در قانون اساسی آمریکا، آزادی بیان تضمین شده است؛ اما حالا که عده‌ای از دانشجویان آمریکایی به نفع فلسطین شعار داده‌اند، کنگره آمریکا، رؤسای برخی از معتبرترین دانشگاه‌ها را احضار کرده و از آنان پرسیده است چرا با «یهودستیزی» مقابله نمی‌کنند؟

سیدروس موسوی، دیپلمات سابق ایرانی: تمام دنیا توقف جنگ و خونریزی در فلسطین را می‌خواهند، آلا آمریکا، برخی تصور می‌کنند که حمایت آمریکا از جنایات اسرائیل به خاطر کمی اطلاعات و عدم درک واقعیت‌هاست؛ در حالی که «سامانتا پاور» (نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل) در کتاب «مشکلی از جهنم» چاپ ۲۰۰۲ ثابت می‌کند آنچه آمریکا در جنگ‌ها می‌کند، عالمانه و عامدانه است.

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان: اعمال فشار کنگره آمریکا با هدف عزل رؤسای چند دانشگاه مطرح این کشور به اتهام گسترش روند یهودستیزی -که در نتیجه گسترش اعتراضات دانشجویان این دانشگاه‌ها به کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین صورت گرفت- به روشنی گویای آن است که لابی‌های صهیونیستی در آمریکا با هدف سانسور جنایات‌های رژیم آپارتاید اسرائیل در غزه، دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطی را در آمریکای قرن بیستم ویکم برپا کرده‌اند.

عبدالرحیم انصاری، فعال فضای مجازی: «اسکات ریت» تحلیلگر آمریکایی حرف جالبی زد. او گفت سیاستمداران آمریکایی توسط لابی صهیونیسم خریده شده‌اند و طبق خواسته اسرائیل عمل می‌کنند. تداوم جنگ در غزه برای آمریکا ضرر خالص است؛ ولی اراده‌ای برای توقف آن نیز وجود ندارد. وتوی طرح آتش‌بس شورای امنیت از سوی آمریکا گواهی بر این ادعاست!

آیت‌الله سیدمحمد مهدی میرباقری، مدرس سطح خارج حوزه علمیه قم: آن جایی که امتحان سخت می‌شود، گنج و خیرات الهی همان‌جا است. متقی کسی است که وقتی شیطان فشار می‌آورد، می‌فهمد که متاع قیمتی [در دست] دارد؛ پس اگر استقامت کنید، به آن گنج‌ها و بهای قیمتی آن می‌رسید.

بهادری جهرمی، سخنگوی دولت آمریکا: برای دومین بار پیش‌نویس قطعنامه آتش‌بس در غزه را وتو کرد. اکنون دیگر هیچ تردیدی برای جهانیان باقی نمانده که دولت آمریکا مسئول اصلی جنایات جنگی رژیم کودک‌کش صهیونیستی در قتل عام ۱۷ هزار فلسطینی است که ۱۲ هزار نفر از آنها کودکان و زنان بی‌دفاع هستند.

تحقق یک رؤیا

کیسول زیستی چیست و چرا اهمیت دارد؟

امیر مهدی صالحی

کارشناس فناوری اطلاعات



هفته گذشته کیسول زیستی «کائوس» به فضا پرتاب شد و پس از گذراندن تست‌های پیشرفته، با موفقیت به زمین بازگشت. این پروژه چه مسیری را طی کرده است؟ چه هدفی دارد و مختصات دقیق پرتاب و بازگشت کیسول چیست؟ اینها مهم‌ترین موضوعاتی است که «حسن سالاری» رئیس سازمان فضایی ایران در یک گفت‌وگوی ویژه خبری درباره آن توضیح داد که خوانندگان آن حتماً برای شما خوانندگان گرامی جالب خواهد بود.

حرکت در این حوزه کند پیش رفت؛ در حالی که بحث زیست فضا و اکتشافات فضایی از مؤلفه‌های مهم فضایی کشورها به شمار می‌رود. بررسی وضعیت زندگی موجود زنده، امکان حیات در شرایط سخت خاص فضایی، بحث فضانوردی و دستیابی به منابع ارزشمند سایر کرات برنام‌های است که اگر آن را آغاز نکنیم و برای آن کار مطالعاتی جدی نداشته باشیم، از قافله به شدت عقب خواهیم ماند و زمانی به خود خواهیم آمد که فاصله بسیار طولانی با کشورهای حوزه صاحب فناوری پیدا کرده‌ایم؛ از همین رو در برنامه ۱۰ ساله فضایی با جدیت بخش خوبی از برنامه به این حوزه اختصاص یافته است.

در برنامه ۱۰ ساله فضایی همه موارد دیده شده و الحمدلله اولین گام با تست زیر مداری و کیسول ۵۰۰ کیلوگرمی با موفقیت انجام شد. ان‌شاء‌الله این مسیر را پرشتاب‌تر از قبل ادامه می‌دهیم و امیدواریم که تست‌های بسیار متعددی داشته باشیم؛ زیرا حوزه زیست فضایی یکی از فناوری‌های حیاتی‌ترین در جهان است؛ از همین رو هم باید در این حوزه آزمایش‌های بسیار دقیق‌تری در کشور انجام شود تا برسیم به نقطه اوج که همان انتقال موجود زنده و قرارگیری آن در مدار است.

عموماً در پرتاب‌های اولیه سراغ یک موجود زنده بزرگ نمی‌رویم؛ بلکه از کیت‌های زیستی و سلول‌ها استفاده می‌کنیم، زیرا این کیسول در مقایسه با نسل‌های گذشته از لحاظ جرم، حجم و ابعاد هندسی کاملاً متفاوت است؛ طبیعتاً اولین پرتاب آزمایشی هیچ کشوری سراغ موجود زنده بزرگ، مانند حیوانات یا امثالهم نمی‌رود؛ بلکه معمولاً از کیت زیستی که شامل سلول‌های زنده هستند، استفاده می‌کند تا شرایط نزدیک به فضا در پرتاب زیر مداری بر روی سلول‌ها بررسی شود.

به جز دوربین‌های نصب شده در بیرون پرتابگر، حدود ۱۰ سامانه اصلی در آن قرار دارد. اولین سامانه، سامانه تأمین توان، سامانه‌های مربوط به کامپیوتر پرواز و سیستم، تولید فرمان، بردهای حافظه و بردهای الکترونیکی است. سامانه دیگر، سامانه مربوط به سیستم‌های مخابراتی و تله متری است. این سامانه در واقع تصاویر را دریافت کرده

و داده‌هایی از داخل کیسول و شرایط داخل کیسول ثبت می‌شوند و از طریق تله متری به زمین منتقل شده و به صورت برخط قابل دیدن است، البته در داخل مجموعه هم اصل داده‌ها ذخیره می‌شود و پس از بازیافت این داده‌ها استفاده می‌شود. سامانه پایش و اندازه‌گیری پارامترهای زیستی یک سامانه بسیار مهم است، پارامترهای گوناگونی مانند سطح فشار اکسیژن و دما در داخل مجموعه باید به طور کامل رصد و پایش شود تا در منطقه تلورانس مجاز قرار گیرد، اگر شرایط زیستی فراهم شده خارج از تلورانس تعیین شده باشد، شرایط حیات از بین می‌رود. همانطور که با بررسی سابقه پرتاب‌های فضایی و تست‌ها شاهدیم که افراد بسیاری در دنیا جان خود را از دست داده‌اند و در تاریخ فضایی جهان نیز ثبت شده است.

ما طراحی کیسول بعدی را که در کلاس جرمی



بالا تر است، آغاز کرده‌ایم. مرحله ساخت آن هم انجام خواهد شد، اما به این اکتفا نمی‌کنیم و بسیاری از این زیرسیستم‌های کیسولی که تست شد، باید تست دیگری هم روی آن انجام شود؛ زیرا باید قابلیت اطمینان آن بالا رود. سازوکارهای بسیاری در این کیسول وجود دارد که پس از اینکه داده‌ها به صورت کامل بررسی و تحلیل شد، به بازطراحی و اصلاحات نیاز دارد.

گفتنی است، کیسول زیستی ایرانی به فضا پرتاب شد و با موفقیت به زمین برگشت. به گفته «حسین دلیریان» سخنگوی سازمان فضایی ایران، طبق بررسی‌های انجام‌شده، سبب ضربه‌گیر کیسول زیستی موفق عمل کرده و توانسته است مطابق طراحی، انرژی کیسول را هنگام رسیدن به سطح زمین به خوبی تلف کند که «از دستاوردهای مهم این پروژه به حساب می‌آید.»

رسانه

ماراتن هوشمندی!

گوگل به مصاف چت‌جی‌پی‌تی می‌رود

جی‌پی‌تی را تصاحب کند.

جمنای مجموعه‌ای از مدل‌های زبان بزرگ است که از تکنیک‌های آموزشی الهام گرفته شده از هوش مصنوعی آلفاگو، از جمله یادگیری تقویتی و جست‌وجوی درختی استفاده می‌کند، که این ظرفیت را دارد که چت جی‌پی‌تی را به عنوان غالب‌ترین هوش مصنوعی پشت سر بگذارد.

معرفی جمنای چند ماه پس از آنکه گوگل آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی برین و دیپ‌ماینند خود را برای ایجاد یک تیم تحقیقاتی جدید به نام گوگل دیپ ماینند ترکیب کرد و پس از راه‌اندازی بارد و نسل بعدی آن، پالم‌۲ اتفاق افتاده است. با پیش‌بینی محققان درباره اینکه ارزش بازار هوش مصنوعی مولد تا سال ۲۰۳۲ به ۱/۳ تریلیون دلار خواهد رسید، واضح است که گوگل در حال سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در این فضا است تا جایگاه خود را در عرصه فناوری حفظ کند.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا جمنای می‌تواند جای چت جی‌پی‌تی را بگیرد یا خیر؟ گوگل در ابتدا، از توانایی جمنای برای تولید متن و تصاویر استفاده می‌کرد تا آن را از جی‌پی‌تی-۴ متمایز کند، اما شرکت اپ‌آی‌آی مهر گذشته

اعلام کرد، کاربران می‌توانند درخواست‌های صوتی و تصویری را در چت جی‌پی‌تی وارد کنند. اکنون که اپ‌آی‌آی در حال آزمایش یک رویکرد مدل چندوجهی است، شاید تهدیدکننده‌ترین عامل تمایز بین این دو مجموعه گسترده داده‌های آموزشی اختصاصی گوگل باشد. جمنای می‌تواند داده‌های گرفته شده در سرویس‌ها، از جمله جست‌وجوی گوگل، یوتیوب، گوگل بوک و گوگل اسکالر را پردازش کند. استفاده از این داده‌های اختصاصی می‌تواند در آموزش مدل‌های جمنای به برتری متمایز در پیچیدگی بینش‌ها و استخراج‌ها منجر شود. اگر این مسئله که گوگل با دو برابر توکن بیشتر از جی‌پی‌تی-۴ آموزش دیده، درست باشد، می‌تواند آینده خوبی برای آن متصور شد.

افزون بر این، مشارکت بین تیم‌های گوگل دیپ‌ماینند و برین در سال جاری را نمی‌توان دست کم گرفت، زیرا سازنده چت جی‌پی‌تی را با تیمی از محققان هوش مصنوعی در سطح جهانی، از جمله «سرگئی برین»، بنیانگذار گوگل و «پل برهام» متخصص یادگیری ماشین رو در رو می‌کند. این یک تیم باتجربه است که درک عمیقی از نحوه استفاده از تکنیک‌هایی، مانند یادگیری

خبر خوب

نانو در گلخانه

فناوری پیشرفته برای محصولات گیاهی



یک تولیدکننده محصولات گلخانه‌ای، حدود دو سال است که از یک فناوری نانویی پیشرفته در تولید محصولات خود استفاده می‌کند. این فناوری به نام «نانو حباب»، فناوری به‌روزی است که می‌تواند تغییرات و تأثیرات مفیدی را بر تولید محصولات و کالاهای گوناگون داشته باشد. در این

فناوری نانویی، حباب‌های بسیار کوچک و در ابعاد زیر ۲۰۰ نانومتر ساخته می‌شود و می‌تواند برای انتقال و تحویل مواد به محیط مورد نظر استفاده شود. استفاده از این فناوری و بومی شدن آن به بالا رفتن کیفیت مواد تولیدی کمک خواهد کرد.

پژواک

اولین قانون

توافق بر سر هوش مصنوعی



کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره اولین قانون هوش مصنوعی به یک توافق موقت دست یافتند. قانون‌گذاران بروکسل هفته گذشته پس از یک دور مذاکرات فشرده، اکنون به توافق موقت درباره قانون پیشنهادی هوش مصنوعی اتحادیه اروپا رسیده‌اند. پیش‌بینی می‌شود، قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا اولین مجموعه قوانین جامع جهان

برای کنترل هوش مصنوعی باشد. تاکنون مذاکرات بر سر قوانینی که نظارت بیومتریک، مانند تشخیص چهره و مدل‌های هوش مصنوعی مانند چت جی‌پی‌تی را تنظیم می‌کنند، بسیار بحث‌برانگیز بوده است که انتظار می‌رود به زودی این چالش‌ها تمام شود.

نرم افزار

فرمول

گپ بزن و بفروش



«فرمول» نسل نوین شبکه اجتماعی کشور است که تجارت الکترونیک را در خود جای داده است و با دارا بودن شبکه تجاری، خدمات خرید، فروش و درآمدزایی از طریق فعالیت‌های اجتماعی را به صورت رایگان برای کلیه کاربران فراهم می‌کند. با توجه به اینکه فرمول یک شبکه اجتماعی گسترده است، کلیه

کاربران می‌توانند از این شبکه استفاده کنند. دلایلی که سبب شده است شبکه اجتماعی فرمول جذاب‌تر از دیگر برنامه‌ها باشد، درآمدزایی از طریق فعالیت‌هایی مانند مدیریت کانال و گروه، پسندیدن، ثبت نظر و سیستم معرفی است.

۱۳
سینما
شماره ۱۱۲۲ دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲
صداق

چرا باید نگران هوش مصنوعی باشیم؟

کید متز

محقق هوش مصنوعی

چندین ماه پیش صدها نفر از افراد سرشناس در دنیای AI نامه سرگشاده‌ای را امضا کردند که دربردارنده هشدار درباره احتمال نابودی بشریت به دست هوش مصنوعی است. متن بیانیه تک‌جمله‌ای در این نامه به شرح زیر است: «کاهش خطر نابودی بشریت به دست هوش مصنوعی باید همچون مقابله با سایر خطرات جدی جهانی، مثل پاندمی‌های ویروس‌های مختلف و جنگ هسته‌ای، در اولویت قرار بگیرد.»

«سکندرا» شرکت فعال در حوزه فناوری معتقد است، روزی دولت‌ها، شرکت‌ها و پژوهشگران مستقل می‌توانند از سیستم‌های قوی AI برای مدیریت موارد گوناگون استفاده کنند؛ از تجارت گرفته تا رفاه. این سیستم‌ها توانایی انجام کارهایی را دارند که ما نمی‌خواهیم آنها را انجام دهند. اگر انسان بخواهد در کار چنین سیستم‌هایی دخالت کرده یا فعالیت آنها را متوقف کند، این سیستم‌ها می‌توانند برای ادامه فعالیت خود به هر قیمتی مقابل انسان بایستند یا حتی کمر به نابودی او ببندند. «یوشوآ بنجیو» (Yoshua Bengio)، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه AI از دانشگاه مونترآل، درباره خطر نابودی بشر به دست هوش مصنوعی این چنین گفته است: «سیستم‌های کنونی تهدیدی برای اقرض بشر نیستند؛ اما در ۱ یا ۵ سال آینده وضعیت چگونه خواهد شد؟ در این مورد تردیدهایی زیادی وجود دارد. مسئله این است که آیا می‌توانیم تضمین کنیم این سیستم‌ها در آینده هم به‌جایی نمی‌رسند که فاجعه‌بار شوند یا خیر.» ممکن است شرکت‌ها سیستم‌های هوش مصنوعی را بیشتر و بیشتر مستقل کرده و آنها را به زیرساخت‌های حیاتی، مانند شبکه‌های برق‌رسانی، بازارهای سهام و سلاح‌های نظامی متصل کنند. در صورت رخ دادن چنین اتفاقی، مشکلات از همان زمان شروع می‌شوند.

طی همین چند سال گذشته، به‌نظر نمی‌رسید متخصصان رخ‌دادن چنین اتفاقی را محتمل بدانند؛ اما زمانی که شرکت‌هایی، مانند OpenAI مدل‌های هوش مصنوعی بسیار پیشرفته‌ای را عرضه کردند، معلوم شد اگر شرکت‌های هوش مصنوعی با این سرعت به پیشرفت‌های گوناگونی دست یابند، ممکن است شاهد این اتفاق باشیم.

«آنتونی آگیره» کیهان‌شناس در دانشگاه کالیفرنیا و بنیان‌گذار مؤسسه آینده فیوچر اف لایف (Future of Life)، یکی از مؤسسات فعال در ارانه نامه مذکور در ابتدای مقاله، درباره خطر نابودی بشریت به دست هوش مصنوعی این چنین گفته است: «هوش مصنوعی در آینده می‌تواند نماینده انسان باشد و با افزایش استقلال خود به جایی برسد که توانایی تصمیم‌گیری و تفکر را از انسان‌های کنونی و مؤسسات درحال اداره توسط انسان بگیرد.»

«کانر لیهی» مؤسس کانجکچپر (Con-jecture)، شرکتی که قصد دارد فناوری‌های هوش مصنوعی را با ارزش‌های انسانی هم‌تراز کند، درباره این موضوع این چنین گفته است: «پژوهشگران به‌طور جدی در حال تلاش برای ساخت سیستم‌هایی هستند که بتوانند خودشان را تقویت کنند. در حال حاضر چنین تلاشی جواب نمی‌دهد؛ اما روزی که نمی‌دانیم کی فرا می‌رسد، به نتیجه خواهد رسید.»

او معتقد است، تعیین اهدافی مانند کسب درآمد برای این سیستم‌ها از سوی پژوهشگران، شرکت‌ها و معرمان می‌تواند به اتفاقاتی، مانند دستبرد به بانک‌ها، زمینه‌سازی انقلاب در کشورهای نفت‌خیز و تصاحب معاملات آتی نفتی یا تکثیر خودشان در زمان تلاش انسان‌ها برای توقف فعالیت آنها منجر شود.

پژوهشگران به‌تازگی اعلام کرده‌اند، متوجه وجود سیستمی شده‌اند که می‌توانست برای انجام یک آزمایش تشخیص ربات با انسان بودن کاربر، انسانی را به خدمت بگیرد و اگر فردی از او پرسیده، ربات است یا خیر، دروغ می‌گفته و خود را انسانی با مشکل بینایی معرفی می‌کرده است.

بهب

یک آینده دست‌ساز

چرا غرب تلاش می‌کند هوش مصنوعی را از آن خود کند؟



م صالح حسنی

کارشناس رسانه

در ماه‌های گذشته، هالیوود دو فیلم را روانه گیشه‌های سینما کرد. اولی «اوپن‌هایمر» ساخته «کریستوفر نولان» کارگردان نام‌آشنای هالیوودی که حضور نام او در تیتراژ هر فیلمی، فروزش را دو برابر می‌کند و دومین فیلم، «خالق» (The Creator) ساخته «گرت ادواردز» کارگردان انگلیسی عشق سینمای تخیلی که فیلمش بلافاصله دو هفته بعد از اوپن‌هایمر در دسترس مخاطبان قرار گرفت. در این دو فیلم، چند کلیدواژه وجود دارد که با کنار هم قرار دادن آنها شاید بتوان به خوبی رسید که آمریکایی‌ها برای جهانیان دیده‌اند!

ما در این مطلب قصد نقد فنی هیچ یک از این دو فیلم را نداریم، به طور خلاصه اوپن‌هایمر فیلمی خوش‌ساخت، ولی حوصله‌سرب‌بر بود که کمتر کسی می‌تواند سه ساعت فیلم را پشت سر هم دیده باشد. خالق هم فیلمی علمی و تخیلی است که با بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه، می‌تواند مخاطب را سر جای خود برای ۲ ساعت بنشانند. شاید اگر کمی پیگیر اخبار سینما باشید و فیلم‌بین، در جریان تبلیغاتی که هالیوود برای فیلم اوپن‌هایمر کرده بود، قرار گرفته باشید. خود من با دیدن تیزر این فیلم قبل از اکران، اطمینان پیدا کرده بودم که نولان باز هم شاهکاری، مانند فیلم میان‌ستاره‌ای یا شوالیه تاریکی ساخته است، اما وقتی فیلم را دیدم، کاملاً ناامید شدم؛ در دستگاه تبلیغاتی هالیوود دیگر مهم نیست که فیلم چقدر زیباست، آنچه مهم است، الزام دیده شدنش است؛ به همین دلیل فیلمی نامیدکننده، مانند اپن‌هایمر امتیازهای بالای از منتقدان می‌گیرد و با هیچ منطقی نمی‌توان آن را توجیه کرد.

ما یک سناریو داریم، باید یک قلاب بیندازیم و توجه همه را به یک موضوع جلب کنیم. همگان باید اپن‌هایمر را ببینند، با ترفندی که هالیوود به کار برد، تقریباً این فیلم همه جا دیده و پیام آن ارسال شد. در زمانه‌ای که هوش مصنوعی ترند دنیا شده است و از صف نانویی تا کلاس درس دانشگاه حرف آن است، اوپن‌هایمر اکران می‌شود. این فیلم درباره بمب اتم است، بمب اتم و شکافت هسته‌ای ترند ۷۰ سال پیش دنیا بوده است! در دست مانند امروز که هر جا می‌روی، سخن از هوش مصنوعی است، آن روز حرف از بمب اتم و دستیابی به یک سلاح بوده است. یک پایان‌دهنده جنگ، به قول خود غربی‌ها!

اپن‌هایمر در عصر هوش مصنوعی از بمب اتم و سفیدسازی چهره سازندگان آن حرف می‌زند، سازندگانی که چاره‌ای جز ساخت آن نداشته‌اند و گویی حتی صلح امروز دنیا را مدیون آنها هستیم! این فیلم به خوبی بمب اتم و کارکرد آن را در ذهن مخاطب جا می‌اندازد و آنها را آماده دریافت تیر خلاص می‌کند، اما این تیر چه زمانی شلیک می‌شود؟ درست چند هفته بعد از اپن‌هایمر، فیلم خالق با سکانسی از یک خرابی ناشی از بمب هسته‌ای شروع می‌شود. حال به ترند اصلی این روزها باز می‌گردیم، هوش مصنوعی! هوش مصنوعی که توانسته است خودمختاری پیدا کند و در ابتدای فیلم عامل شلیک هسته‌ای بیان می‌شود. تا به اینجا هوش مصنوعی سلاح اتمی دنیای آینده بیان می‌شود. سلاحی که در اپن‌هایمر هم سازندگان آن تطهیر شده‌اند و هم ناچاری استفاده از آن با یک سری چرنوبیاد برای مخاطب اثبات شده است.

امروزه، در میان اخبار سخن از خطرهای هوش مصنوعی و امکان نابودی بشر به وسیله آن بسیار زیاد است. بمب اتم، حاصل یک فرآیند کاملاً علمی بوده

است، هوش مصنوعی هم حاصل یک فرآیند کاملاً علمی است و این بار آمریکایی‌ها به جای اینکه پس از استفاده به دنبال پاک کردن چهره خود باشند، پیش از استفاده به فکر افتاده‌اند. در خالق، شخصیت اصلی ربات فیلم، یک بچه است که قدرت‌های ماورایی دارد. گویی خالق اوست، رباتی که با هوش مصنوعی به دنبال درک بهشت و مفاهیم انسان‌هاست. رباتی با چهره شرقی، که آمریکایی‌ها به دنبال نابودی آن هستند. جالب نیست؟ خدای جدید از شرق آمده است و آمریکایی‌های همیشه به فکر مردم دنیا، باز هم خود را به خطر می‌اندازند تا جلوی خطر بمب اتم جدید را بگیرند. در واقع، باید گفت خدای جدید اسپر شرقی‌ها شده است و آمریکایی‌ها به دنبال راهایی آن هستند، یا به تعبیر بهتر، قدرت خدایی نباید در اختیار شرقی‌ها قرار گیرد!

کلیدواژه‌هایی که در ابتدای متن گفتیم وجود دارد، پشت سر هم بیان می‌کنیم؛ بمب اتم، هوش مصنوعی، خدای جدید، آمریکای مهربان! اپن‌هایمر به خوبی بمب اتم را در ذهن مخاطب می‌کارد، خالق به خوبی هوش مصنوعی را با بمب اتم معادل‌سازی می‌کند که به دست انسان‌هایی از شرق زمین افتاده است، همچنین نشان می‌دهد هوش مصنوعی با وجود خطر ها و نگرانی‌هایی که درباره‌اش وجود دارد، می‌تواند خدای جدید هم باشد؛ درست همان کاری که با بمب اتم در اپن‌هایمر کرد. نشان داد بمب اتمی که عامل خرابی و بدبختی می‌تواند باشد، به دست چه انسان‌های مهربانی ساخته شده است و گویی که ما باید داوطلب شویم و بگوییم تو رو خدا بر سر ما بمب اتم بریزید! مأموریت تطهیر هوش مصنوعی نابودگر این گونه انجام می‌شود و با خالق نشان دادن آن، انسان‌های دسته دوم چاره‌ای جز اطاعت و نابودی به وسیله آن ندارند؛ و کلید واژه آخر،

نگاهی به آخرین ساخته ایدئولوژیک کمپانی هالیوود

تطهیر دراماتیک!

سود اقتصادی دوم، اجرای یک پروژه ایدئولوژیک! فیلم «اوپن‌هایمر» نمونه چنین آثاری در جهت اهداف یاد شده است. این فیلم در تابستان که فصل رکود هالیوود است و معمولاً آثار سطح پایین روی پرده می‌روند، سود حدود یک میلیارد دلاری را به سینمای آمریکا اعطا کرد(تحت تأثیر نام کارگردان مطرح و نامعموّلش و همچنین تبلیغات)؛ اما درباره «اوپن‌هایمر» جنبه تاریخی و ایدئولوژیک اهمیت بیشتری دارد. این فیلم، تلاشی است برای نفرت‌زدایی از نام یک فرد منفور در تاریخ که به پدر بمب اتم مشهور شده و جنایت جنگی بمباران هسته‌ای دو شهر ژاپن پای او نوشته شده است.

فیلم با تصویری زیبا و شاعرانه از بارش باران و بلافاصله نمای نزدیک از پایپس به بالا از چهره «جولیوس رابرت اوپن‌هایمر» فیزیکدان و پدر بمب هسته‌ای شروع می‌شود. این شروع بارانی بر تطهیر قهر مان فیلم دلالت دارد و ثبت تصویر از زاویه پایین رو به بالا-مطابق دستور زبان تصویر- نشانه‌ای از بزرگداشت این شخصیت است. فیلم دارای چهار روایت متقاطع از مقاطع گوناگون زندگی رابرت است، اما داستان فیلم از ورود رابرت اوپن‌هایمر به دانشگاه کمبریج برای تحصیل در رشته فیزیک شروع می‌شود تا مدتی پس از حمله اتمی به هیروشیما و ناکازاکی ادامه می‌یابد. در این فاصله، بخش کمی به تلاش‌های علمی این فیزیکدان در اختراع بمب اتم اختصاص یافته و بیشتر داستان فیلم را جلسات بازجویی از وی به دلیل ارتباطاتش با کمونیست‌ها و نشست‌های پرسش و پاسخ با استراوس که از هم‌راهان نزدیک اوپن‌هایمر بود، به علاوه جلسه اعضای مرکزی کمیسیون انرژی اتمی آمریکا تشکیل می‌دهد. رویکرد فیلم در تمام ماجراها این است که اول رابرت اوپن‌هایمر را

شخصیتی مستقل و منفک از سیستم و مسئولان ارشد آمریکا معرفی کند و دوم هم اینکه بگوید، او مخالف سقوط بمب‌های ساخته شده‌اش در هیروشیما و ناکازاکی بود و پس از این اتفاقات نیز همواره دچار عذاب وجدان و سرگشتگی بود. حتی از نمادها و المان‌هایی هم برای القای صلح‌طلب بودن وی در فیلم استفاده شده است، برای نمونه موقع عزیمت وی برای آزمایش بمب اتم، از لابه‌لای ملحفه‌های سفید عبور می‌کند که به نوعی یادآور پرچم سفید و علامت صلح است. البته در طول فیلم نیز بارها تأکید می‌شود آمریکا به دلیل مقابله با توسعه جنگ مجبور به استفاده از بمب اتم علیه ژاپنی‌ها شد. توجیه جنگ برای صلح که یکی از راهبردهای اصلی دولت آمریکا در مواجهه با رقیبا و دشمنانش بوده است؛ آمریکایی‌ها هر جا خواسته‌اند حمله کرده و کشتار و قتل عام راه انداخته‌اند، اما سناریوهایی ترتیب داده‌اند تا بگویند همه این جنایت‌ها برای جلوگیری از جنگ و جنایتی بزرگ‌تر بوده است؛ محور اصلی فیلم «اوپن‌هایمر» هم دقیقاً همین راه‌برد جنگ برای صلح است.

نکته مهم این است که مانند خیلی دیگر از فیلم‌های راهبردی هالیوود، قهرمان واقعی در «اوپن‌هایمر» آمریکاست. چنانکه فیلم گویای آن است که یک نخبه علمی که گرایش چپ داشته و کمونیست‌ها دوره‌اش کرده بودند و قاعدتاً باید به اردوگاه بولشویک‌ها می‌پیوست، در نهایت مجذوب آمریکا شده و به سرریاز آن کشور تبدیل می‌شود و حتی برایش، بمب اتم هم می‌سازد. در صحنه باشکوه موقیت آزمایش این بمب‌ها نیز وقتی رابرت اوپن‌هایمر در حلقه همراهنش مشغول شادی و سرافرازی است، پرچم آمریکا بالاتر از او برافراشته شده و خودنمایی می‌کند. افزون بر

اینها، موضوع سبک زندگی آمریکایی نیز در فیلم جلا یافته است. ما در «اوپن‌هایمر» با یک قهرمان علمی و صنعتی آشنا می‌شویم که مانند لومین‌ها خوش‌گذران، بی‌قید و بند و زن‌بازه و به اصطلاح کول (cool) است.

نکته تأمل‌برانگیز این است که «اوپن‌هایمر» تابستان امسال همزمان با هفتاد و هشتمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی اکران شد. آمریکایی‌ها آنقدر نسبت به ایسن جنایت جنگی راحت و خوش هستند که نام بمب اول را که روی سر مردم هیروشیما افتاد، «پسر کوچک» و نام بمب دوم را که بر ناکازاکی افتاد، «پسر بزرگ» گذاشته‌اند! آنها هیچ‌گاه از این قتل عام ابراز پشیمانی و شرمندگی نکردند؛ اما شخصیت رابرت اوپن‌هایمر همواره به منزله یک فرد پلید و سازنده یک ابزار کشتار جمعی که حتی حیات بشر را تهدید می‌کند، شناخته می‌شد؛ آمریکایی‌ها با فیلم «اوپن‌هایمر» سعی کردند این شخصیت تاریخی خودشان را هم بی‌گناه نشان داده و از اتهام کشتار و جنایت مبرا کنند.

در حالی که آمریکا به منزله تنها استفاده‌کننده از سلاح اتمی علیه جوامع بشری، این‌گونه برای دانشمندان هسته‌ای خودش افسانه‌سازی و افتخارآفرینی می‌کند، جای سؤال است که سینمای ایران چه می‌کند و کجای این تاریخ ایستاده است؟ چرا هیچ کس برای دانشمندان هسته‌ای ما که اتفاقاً علم و نبوغ‌شان در خدمت صلح و انسانیت است، چنین فیلم‌هایی نمی‌سازد(غیر از یکی دو فیلم کوچک که بیشتر به حواشی و اعضای خانواده این دانشمندان اختصاص داشت). شاید «اوپن‌هایمر» درس عبرتی هم برای سینماگران ایرانی باشد که کاربرد سینما در جامعه و نظام بین‌الملل را بهتر درک کنند.



آرش فهیم

منتقدسینما

«اوپن‌هایمر» از آن دسته فیلم‌هایی است که تماشای آن صبر و حوصله فراوانی می‌طلبد؛ ساخته جدید و پر سرر و صدای «کریستوفر نولان»، مخاطب را با روایتی کشدار و کسلسل‌کننده مواجه می‌کند که اتفاقات و سرانجامش نیز از پیش معلوم است؛ چون بر اساس ماجراهای واقعی تولید شد-م و بیش از ۸۰ درصد آن را دیالوگ و بگو مگو تشکیل می‌دهد. فیلمی که در آن نه از صحنه‌های اکشن و خارق‌العاده خبری هست و نه جلوه‌های ویژه و نماهای چشم‌نواز؛ حتی بازی با زمان و رفت و برگشت‌های پی‌درپی به گذشته و آینده هم در این فیلم، کارکرد دراماتیک نیافته و در حد ادا و اطوار نولانی باقی مانده است! ح-دافل، نگارنده این تجربه را داشت که سه بار در تماشای این فیلم شکست خورد و فقط ۳۰ دقیقه پای آن دوام آورد و بار چهارم، با مشقت فراوان کار تماشای فیلم را به پایان رساند! اما جای سؤال است که چرا در هالیوود برای چنین فیلمی، این گونه هیاهو و تبلیغات گسترده‌ای راه افتاد، تا جایی که «بل شرایدر» (نویسنده و کارگردان آمریکایی) «اوپن‌هایمر» را بهترین فیلم قرن خواند و رسانه‌ها تعاریف غلوآمیز و کم نظیری برای آن منتشر کردند. این در حالی است که این فیلم حتی در میان ساخته‌های سازنده‌اش، یعنی کریستوفر نولان، نمی‌تواند بهترین فیلم لقب بگیرد، چه برسد به بهترین فیلم قرن بیست‌ویکم! ابتدا باید یادآور شد که تولید فیلم‌ها در هالیوود مطابق با دهدف صورت می‌گیرد؛ اول، دستیابی به



تغییر مختصات نقشه جغرافیای سیاسی غرب آسیا و حرکت به سمت حل مسئله فلسطین از موضوعات مورد تأکید رهبر حکیم انقلاب در دیدار اخیرشان با بسیجیان بود. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در همین راستا ضمن تشریح جزئیات طرح جمهوری اسلامی ایران برای همه‌پرسی از مردم فلسطین درباره اظهارات برخی از سخن‌گویان دنیا درباره راهکار ایران برای مسئله فلسطین گفتند: «بعضی از این سخن‌گویان دنیا راجع به نظرات جمهوری اسلامی درباره منطقه که صحبت می‌کنند، به دروغ می‌گویند که «ایران می‌گوید بایستی یهودی‌ها را یا صهیونیست‌ها را به دریا بریزند»؛ نه، این حرف را قبل‌ها دیگران یا کسانی از عرب‌ها گفتند؛ ما هیچ وقت نگفتیم این را؛ ما کسی را به دریا نمی‌ریزیم. ما می‌گوییم نظر، نظر مردم است؛ آن دولتی که با آرای مردم فلسطین تشکیل شد، درباره مردمی که آنجا هستند و از کشورهای دیگر آمده‌اند تصمیم‌گیری خواهد کرد؛ ممکن است به همه آنها بگوید در فلسطین بمانید. کم‌اینکه در بعضی از کشورهای آفریقا که بنده زمان ریاست جمهوری رفتم آنجا، [مردم] مبارزه کردند و پیروز شدند؛ انگلیسی‌ها آنجا حاکم بودند، بومی‌ها توانستند انگلیسی‌ها را مغلوب کنند، اما همان انگلیسی‌ها را در کشور خودشان نگه داشتند؛ مصلحت دانستند نگه داشتند، اینها هم ممکن است نگه دارند. ممکن هم هست بگویند نه، بعضی بروند یا همه بروند؛ اختیار با آنها است؛ ما هیچ وقت در این زمینه نظری نداریم.» (۱۴۰۲/۹/۸)

فرمانده معظم کل قوا ۲۹ مهرماه ۱۳۷۹ در تجمع بزرگ بسیجیان در اردوگاه بیت‌المقدس تهران پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران را برای حل مسئله فلسطین تشریح کردند. مرور آن بیانات بعد از ۲۳ سال خالی از لطف نیست:

«راه حل این است که آوارگان فلسطینی از لبنان و هر نقطه دیگری که هستند، به فلسطین برگردند. این چند میلیون فلسطینی که در بیرون فلسطین زندگی میکنند، به فلسطین برگردند. مردم اصلی فلسطین - چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی - رفراندوم کنند و تصمیم بگیرند که چه رژیم بر کشورشان حاکم باشد. اکثریت قاطع مسلمانند؛ تعدادی هم یهودی و مسیحی‌اند که اینها ساکنان اصلی سرزمین فلسطینند و

بازنگاهی به طرح جمهوری اسلامی ایران برای همه‌پرسی از مردم فلسطین درباره تعیین سرنوشت خود

فلسطین برای همه فلسطینیان

نظری نداریم.» (۱۴۰۲/۹/۸) این منطق عین همان منطقی است که ۲۳ سال قبل و در مهرماه ۱۳۷۹ هم بیان شده است.

طرحی که در سازمان ملل هم ثبت شده است

نکته جالب‌تر آنکه این دیدگاه متوقف به یک سخنرانی یا یک ایده نمانده و از سوی جمهوری اسلامی ایران در قالب یک طرح دیپلماتیک در آبان‌ماه ۱۳۹۸ به سازمان ملل متحد ارائه و در این سازمان ثبت هم شده است.

با توجه به همه این دلایل مشخص می‌شود موضعی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار هشتم آذرماه با بسیجیان سراسر کشور درباره تعیین تکلیف صهیونیست‌ها و ساکنان غیربومی فلسطین از سوی دولت منتخب اکثریت فلسطینیان گرفتند، موضع جدیدی نبود و تشریح و تبیین همان منطق همیشگی جمهوری اسلامی ایران است که ملت‌های دنیا مبتنی بر اصل حق تعیین سرنوشت، خودشان باید سرنوشت خودشان را تعیین کنند.

غیر از ظالمانه، استعماری و غیرانسانی بودن طرح صهیونیستی کردن فلسطین، تأکید و اصرار و پافشاری بر همه‌پرسی از مردم فلسطین از آنجایی اهمیت مضاعف می‌یابد که در نظر داشته باشیم غرب در همه سال‌های پس از تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی هیچ‌گاه برای تعیین و حل مسئله فلسطین به نظر ساکنان بومی این سرزمین رجوع نکرده است.

نه موقع سند زدن قیمومیت انگلیسی‌ها بر فلسطین بعد از جنگ جهانی دوم نظر مردم این منطقه اعم از مسلمانان، یهودی و مسیحی پرسیده شد، نه در سال ۱۳۲۶ شمسی که سرزمین فلسطین به‌دست قدرت‌های آن روزها دنیا و در لعاب جامعه ملل سرزمین فلسطین تقسیم و

بخشی از آن به صهیونیست‌ها هبه شد، نظری از فلسطینیان خواستند و نه زمانی که صهیونیست‌ها بسا تکیه بر زور و پول و حمایت غرب، انگلیس و آمریکا در اردیبهشت ۱۳۲۷ شمسی دولت جعلی خودشان را روی تکه‌پاره‌های تقسیم‌شده فلسطین بنا کردند، از فلسطینیان نظر خواهی کردند.

گویی که همه حق داشتند درباره سرزمین و خاک و وطن فلسطینیان نظر بدهند، جز اهالی فلسطین. این در حالی است که هم‌زمان با غصب سرزمین فلسطین به دست انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، دیگر ملل منطقه از عراق گرفته تا مصر آرام آرام در مسیر استقلال به راه افتاده و طالب حق خود بودند.

پروژه کوچ دادن یهودیان از اقصی نقاط دنیا به فلسطین از ۱۹۲۰ میلادی با هدف برهم زدن ترکیب جمعیتی فلسطین در حالی از سوی غرب و در رأس‌شان انگلیس و آمریکا صورت می‌گرفت که مقامات آمریکایی و انگلیسی در همین سال‌ها برای کنترل جمعیت مهاجران و حتی یهودیانی که وارد خاک آمریکا یا انگلیس می‌شدند، قوانین و محدودیت‌های زیادی وضع کرده بودند.

رژیم صهیونیستی روی چنین مبانی استعماری و آپارتایدگونه‌ای بنا شده است. همین بنای کج هم باعث شد که غده سرطانی صهیونیسم و مشکل فلسطین هیچ وقت حل نشود. اصل و اساس این بنا بر مبنای یک نطفه نامشروع شکل گرفته است.

تعیین سرنوشت فلسطین به دست همه فلسطینیان

در چنین وضعیتی است که طرح جمهوری اسلامی مبنی بر همه‌پرسی از همه فلسطینیان برای تعیین دولت حاکم بر سرزمین فلسطین معنادار می‌شود. طبق این طرح که در سازمان ملل ثبت هم شده است، تنها راه حل ممکن، برگزاری

همه‌پرسی ملی با مشارکت تمامی فلسطینیان اعم از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان و فرزندان آنان است.

اجرای این طرح شامل چهار مرحله اصلی است که به ترتیب عبارتند از: «اعمال حق بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین تاریخی خود»، «برگزاری یک همه‌پرسی ملی در میان مردمان فلسطین شامل پیروان همه ادیان که قبل از بیابانه‌بافی در فلسطین ساکن بوده‌اند برای تعیین سرنوشت و تعیین نوع نظام سیاسی»، «تشکیل نظام سیاسی مورد نظر اکثریت مردم فلسطین» و در نهایت هم «تصمیم‌گیری در خصوص وضعیت ساکنان غیربومی فلسطین توسط نظام سیاسی منتخب اکثریت». موضع رهبر معظم انقلاب اسلامی در هشتم آذرماه دقیقاً و بدون هیچ‌کم و کاستی ادامه منطقی همین طرح اصولی جمهوری اسلامی ایران است.

جمهوری اسلامی ایران و مقامات آن در سال‌های گذشته هم‌زمان و موازی با مخالفت بنیادین با منطق استعماری رژیم صهیونیستی، راهکار خود برای فلسطین مابعد صهیونیست‌ها را هم ارائه کرده است. راهکاری انسانی، متمدنانه و عقلانسی که اتفاقاً غرب هم در یک قرن اخیر شعار آن را بسیار داده است.

برگزاری همه‌پرسی، انتخابات، تکیه به نظر مردم و مردم‌سالاری در همه این سال‌ها راهکار اصلی و مورد تأکید ایران برای حل بحران فلسطین بوده است. راهکاری که استعمار و غرب و انگلیس و آمریکا از یکصد سال قبل تاکنون به آن تن نداده‌اند. تن دادن به نظر و خواست مردم قطعاً پایان پروژه استعماری صهیونیست خواهد بود و گرنه تا زمانی که دنیا، دنیاست، مشکل و مسئله فلسطین به همین شکل باقی خواهد ماند.

به نقل از سایت khamenei.ir





امتداد اشغالگرای

طرح کاخ سفید برای آینده فلسطین چیست؟

رامین نصیری

کارشناس سیاسی



راهکارهای ارائه شده برای پایان دادن به اشغالگری تاریخی سرزمین فلسطین سال‌هاست که نتوانسته است پایان بخش درگیری‌ها و منازعات تاریخی یکصد ساله در غرب آسیا باشد. پس از عملیات موفق طوفان الاقصی حماس که سبب شد تا همه معادلات و روندهای موهوم صهیونیستی‌ها و آمریکایی‌ها با اشتباه محاسباتی مواجه شود، بار دیگر دیدگاه دو ملت‌دو دولت به مثابه راهکار غربی‌ها به ویژه آمریکایی‌ها برای پایان بخش به این نزاع تاریخی بیان شده است. البته حکایت طرح «دو دولتی» در اراضی اشغالی فلسطین، حکایت «باد را در قفس زندانی کردن» است و به نظر نمی‌رسد جدای از ملاحظاتی که برای جهان اسلام و ژئوپلیتیک منطقه حائز اهمیت است، اصلاً قابلیت اجرایی و عملیاتی داشته باشد. دو دولتی مورد نظر به معنای پذیرش دو دولت مستقل فلسطین و اسرائیل است؛ ظاهر قضیه این است که شاید طرح دو دولتی بد نباشد، اما با کاوش دقیق ماجرا به لایه‌های عمیق‌تری از موضوع پی برده می‌شود که حائز اهمیت و دقت نظر است.

مروری کوتاه بر تاریخچه طرح «دو دولتی»

اولین پیشنهاد برای ایجاد دولت‌های یهودی و عربی در قیمومیت بریتانیا بر فلسطین در گزارش کمیسیون پیل در سال ۱۹۳۷ ارائه شد. این طرح فقیرترین سرزمین‌های فلسطین، از جمله صحرای نقب و مناطقی را که امروزه به نام کرانه باختری و نوار غزه شناخته می‌شود، به اعراب اختصاص داد. در حالی که بیشتر خط ساحلی و برخی از حاصلخیزترین زمین‌های کشاورزی فلسطین در جلیل به یهودیان اختصاص یافت. در نتیجه، تقسیم پیشنهادی از سوی جامعه عرب فلسطین رد شد و از سوی بیشتر رهبران یهودی پذیرفته شد. بار دیگر طرح سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ برای تقسیم فلسطین پیشنهاد شد. ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ قطعنامه ۱۸۱ درباره فلسطین به رأی گذاشته شد که از ۵۷ نفر اعضای آن روز سازمان ملل متحد، ۳۳ رأی مثبت و ۱۳ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع به تقسیم سرزمین فلسطین داده شد. ایرانی‌ها از جمله اعضای کمیسیون تحقیق سازمان ملل در موضوع فلسطین بودند که قاطعانه به این قطعنامه رأی مخالف دادند. «فضل‌الله کیا» دیپلمات ایرانی و معاون وقت دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل در خاطرات خود در کتاب «خاطرات خدمت در فلسطین» به تفصیل و قیاسی را که به تأسیس اسرائیل و بسترهای تاریخی این

مسئله منجر شد، شرح داده است. کمیسیون ۱۱ نفری از بین نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد (استرالیا، کانادا، گواتمالا، هندوستان، ایران، هلند، پرو، سوئد، چکسلواکی، اوروگوئه و یوگسلاوی) انتخاب شد تا درباره آینده سرزمین فلسطین طرح و ایده‌پردازی کنند. کمیسیون پس از ورود به فلسطین شروع به تحقیقات کرد و با یهودی‌ها و سایر رؤسای مذهبی تماس گرفته و از وضعیت آنها آگاه شد، ولی اعراب بنا به تصمیم اتحادیه عرب حاضر نشدند رسماً با کمیسیون تحقیق تماس پیدا کنند. کمیسیون تحقیق پس از چندی اقامت در فلسطین و بازدید از سایر دول عربی به ژنو مسافرت کرد و گزارش خود را به ترتیب زیر تنظیم کرد: دسته اول که از نمایندگان کانادا، چکسلواکی، گواتمالا، پرو، سوئد، استرالیا، اوروگوئه و هلند متشکل شده بود، فلسطین را به دو کشور عرب و یهودی تقسیم کرد که هر یک، حکومت جداگانه‌ای داشته و شهر بیت‌المقدس نیز که مورد احترام کلیه مذاهب یهود و مسلمان و مسیحی است، آزاد باشد. (گروه اکثریت) و دسته دوم که مرکب بود از دول ایران و هندوستان و یوگسلاوی با تقسیم فلسطین به کشور یهود و عرب مخالف بود و در گزارش خود طرحی برای فلسطین ارائه داده بود که طبق آن یک نوع اتحادیه عربی و یهودی که هر دو قوم در آن با یکدیگر در امور سیاسی و مذهبی و اقتصادی و حقوق مساوی هستند، تشکیل شود و این طریق را بهترین راه برای تأمین صلح-سعادت و خوشبختی مردم آن سرزمین پنداشته بود. (گروه اقلیت) نهایتاً در مجمع عمومی مورخ سپتامبر ۱۹۴۷ که گزارش‌های کمیسیون فلسطین طرح شد، اعراب نطق‌های شدیدی علیه تقسیم فلسطین داشتند و تلاش‌های دیپلماتیک ایرانیان نیز جواب نداد و طرح تقسیم فلسطین به دو کشور مستقل از طرف اکثریت اعضا پذیرفته شد. هر چند در آذرماه ۱۳۲۶ «انتظام» بعد از نماینده آمریکای نطقی ایراد کرد و اظهار داشت نقشه تقسیم فلسطین با منشور ملل متحد مخالفت داشته و احتمال دارد اجرای این طرح کشورهای خاورمیانه را به میدان آتش و آهن و خون تبدیل کند و برای جلوگیری از این پیش آمد رعایت حقوق اعراب را خواستار شد؛ اما افاقه‌ای نکرد. انتظام به مخالفت با طرح تقسیم رأی داد و در نتیجه نطق او کلیه دول عرب از رویه ایران تمجید و تعریف کرده و مراتب تشکر خود را رسماً به وزارت امور خارجه ایران ابلاغ کردند؛ ولی هر چه اعراب کوشش کردند، فایده نبخشید و طرح تقسیم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. طبق مفاد قطعنامه ۱۸۱ مورخه ۱۹۴۷ سازمان ملل فلسطین به دو منطقه به این شرح تقسیم می‌شود: ۱- منطقه عرب متشکل از ۱۲ هزار کیلومتر مربع با ۶۵۰ هزار سکنه عرب و ۱۱ هزار یهودی. ۲- منطقه یهودی‌نشین با مساحت ۱۴۲۰۰ کیلومتر مربع و ۵۴۰ هزار نفر یهودی و ۴۶۰ هزار عرب. ۳- شهر بیت‌المقدس هم به صورت یک شهر بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد مدیریت می‌شد.

البته دوباره در این طرح شهر اورشلیم (بیت‌المقدس) به طور جداگانه تحت کنترل بین‌المللی بود و هر دو طرف با آن مخالف بودند. اتحادیه عرب و دیگر رهبران و دولت‌های عرب این طرح را رد کردند، چرا که اعراب دو سبب اکثریت را تشکیل می‌دادند و مالک اکثریت زمین‌ها بودند؛ بنابراین تمایلی به تقسیم سرزمین فلسطین به صورت کلی نداشتند. آنها همچنین استدلال کردند که این تقسیم‌بندی، اصول خودمختاری ملی در منشور سازمان ملل را نقض می‌کند. جنگ داخلی اعراب و اسرائیل در فلسطین در سال ۱۹۴۸ شروع شد و با قرارداد آتش‌بس ۱۹۴۹ به پایان رسید. این جنگ منجر به فرار یا اخراج ۷۱۱ هزار فلسطینی شد که فلسطینی‌ها آن را «یوم النکبه» می‌نامند و این سرزمین‌ها تحت اشغال رژیم صهیونیستی در آمد. روز نکبت به روزی تبدیل شد که در آن فلسطینیان آواره شدند، با خشونت هر چه تمام مالکیت‌شان بر سرزمین‌ها و خانه‌های‌شان از دست رفت، جامعه، فرهنگ، هویت، حقوق سیاسی و آمل ملی فلسطینیان نابود شد و داستان تراژدی و غم‌انگیز مقاومت در برابر یک رژیم جعلی، تمامیت‌خواه، نژادپرست و متفوق از سوی فلسطینیان شروع شد. در خلال این جریان مقاومت که معتقد است راهکار فلسطین تنها در مبارزه و مقاومت مسلحانه برای آزادسازی همه سرزمین فلسطین است، برخی آرا و نظریات چپ‌گرا همانند طرح دو دولتی ظهور و بروز کرده است که معتقد است دو ملت باید دو دولت جدا و مستقل داشته باشند.

پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه ۲۴۲ را تصویب کرد که در آن خواستار عقب‌نشینی اشغالگران از سرزمین‌های اشغال شده در طول جنگ، در ازای «پایان دادن به همه ادعاهای کشورهای متخاصم» و «اعتراف به حاکمیت، تمامیت ارضی» شد. سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) که در سال ۱۹۶۴ تشکیل شده بود، به شدت از این قطعنامه انتقاد کرد و گفت، این قطعنامه مسئله فلسطین را به مشکل پنهان‌گران تقلیل می‌دهد. اولین نشانه‌ای که نشان می‌دهد «ساف» مایل به پذیرش راه‌حل دو کشوری شد، حداقل به صورت موقت و لفظی، از سوی سعید حمامی در اواسط دهه ۱۹۷۰ بیان شد. در ادامه پس از رایزنی‌های متفاوت از سوی جنبش فتح و حماس و تشکیلات خودگردان بارها این طرح مورد تأیید یارد قرار گرفته است. رویکرد کلی ساف حمایت از همه فلسطینیان و بازگشت آوارگان به سرزمین‌های پدری خود، یعنی فلسطین است و این مهم جز با آزادی کامل سرزمین فلسطین محقق نمی‌شود. بنابراین طرح دو دولتی از لحاظ بنیادی هیچ‌گاه توانایی عملیاتی شدن ندارد. درست است که در سپتامبر ۱۹۷۴، ۵۶ کشور عضو سازمان ملل پیشنهاد کردند که «مسئله فلسطین» به منزله یک موضوع در دستور کار مجمع عمومی گنجانده شود و پس از آن نیز مجمع عمومی در نهایت، طرح دو دولتی با شکست مواجه شده

است؛ چرا که سلسله عواملی دست به دست هم داده است که دو دولتی در سرزمین‌های فلسطینی به بن‌بست رسیده است. افزایش شهرک‌های صهیونیست‌نشین در کرانه باختری، ریاست جمهوری دونالد ترامپ و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به اورشلیم، بر سر کار بودن راست‌گرایان دولت اسرائیل در تاریخ این کشور، جنگ و جنایت‌های گسترده صهیونیست‌ها، باور و اعتقادات افراطی دینی صهیونیسم و... سبب شده است که فلسطینی‌ها دیگر کوچک‌ترین میل و اعتمادی به این طرح نداشته باشند و بنابراین از منظر جبهه مقاومت این طرح دیگر قابلیت عملیاتی شدن ندارد. پس از طوفان الاقصی نیز رژیم صهیونیستی ثابت کرد که برای اسرائیل هم دیگر این طرح تهنی از به کارگیری شده است؛ چرا که هدف نهایی خود را نابودی «حماس» و دولتی به نام فلسطین کرده است. نگاه واقع‌بینانه به مسئله سرزمین فلسطین موجب می‌شود که بپذیریم اساساً طرح دو دولتی امکان تحقق ندارد و به چندین و چندین دلیل متفاوت که شاید اساسی‌ترین دلایل آن هم عبارت باشد از بحث جغرافیایی و لجستیکی. سرزمینی که به عنوان دولت فلسطین پیشنهاد داده می‌شود عبارت است از کرانه باختری و غزه که این دو اصلاً راه ارتباط زمینی، هوایی و دریایی با یکدیگر ندارند و در واقع این مسئله و مشکل بسیار مهم و اساسی است. از سوی دیگر از بعد جمعیتی هم اکنون در سرزمین فلسطین ۷/۵ میلیون فلسطینی زندگی می‌کنند که در مقابل ۷ میلیون صهیونیست وجود دارد با این توضیح که جمعیت بسیار بالایی از فلسطینی‌ها هم اکنون مهاجرت کرده‌اند و در اقصی نقاط دنیا پخش شده‌اند و در صورت تشکیل دولت فلسطینی قطعاً خواهان بازگشت به سرزمین‌های مادری خود هستند و در مقابل صهیونیست‌هایی که از سراسر دنیا به این سرزمین‌ها آورده شده‌اند و اصالتاً غرب آسیایی نیستند و نکته این جاست که همین الان اکثریت با فلسطینی‌هاست و خب رژیم صهیونیستی به دلیل ترس‌های وجودی که دارد مانع از تشکیل فلسطین متحد می‌شود. همچنین قرار است ۷/۵ میلیون فلسطینی در یک پنجم سرزمین‌ها زندگی کنند؛ در حالی که ۷ میلیون صهیونیست در چهار پنجم سرزمین‌ها و همچنین زندگی فلسطینی‌ها کاملاً در کنترل و مدیریت صهیونیست‌ها خواهد بود؛ بی‌عدالتی محضی که مانع اصلی تحقق این طرح به شمار می‌رود. بنابراین، طرح دو دولتی از اساس طرح موهوم و فضایی است که به منزله یک سراب پوشالی برای مردم دنیا غلم شده است که آنان را منفعل کرده و این تصور را ایجاد می‌کند که یک کارهایی برای بهتر شدن وضعیت در فلسطین در حال انجام است؛ در حالی که این طرح به مثابه خواب‌آور و بیهوش‌کننده مردم دنیا استفاده شده است تا مردم را با رسیدن به این باور آرام کند که کاری برای فلسطینی‌ها در دست انجام است یا انجام خواهد شد؛ پس جای نگرانی نیست، چون دو کشور تشکیل و اوضاع رویه‌راه خواهد شد.

مصادیق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی‌حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

علی‌قاسمی،سیامک‌باقری،سعداللزاعی، عزیز‌غضنفری،فرهادمهلوی،مهلدی‌سعیدی، فتح‌الدین‌پیشان،احمدکریم‌خانی،حسین‌عبداللهی‌فر دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی مدیرفنی: محمد‌صالح‌نادری نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی عکاس:‌حامد‌گودرزی ناظرچاپ:سعيدقاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۱۰۰ و ۰۲۱)۷۷۴۶۱۰۰

basirat.ir

@ssweekly

نمبر: ۷۷۴۸۸۴۴۶

سامانه پیامک: ۰۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۱۲۲ | دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲

صبحانه

معجزه

بازنده کسی است که در انتظار معجزه می‌ماند تا کسی از راه برسد و آرزوهایش را برآورده کند. معجزه زندگی خودمان باشیم. باورهای صحیح را تقویت کنیم، محدودیت‌ها را کاهش دهیم و به سوی موفقیت گام برداریم. راکد ماندن، آب زلال را هم به لجنزار تبدیل می‌کند.

صادقانه

ایمان کامل

امام سجاد(ع) می‌فرماید: هر کس چهار خصلت داشته باشد، ایمانش کامل شده و گناهانش بخشیده می‌شود و در حالتی خداوند را ملاقات می‌کند که از او راضی و خشنود است: ۱- خصلت خودنگهداری و تقوای الهی به گونه‌ای که بتواند بدون توقع و چشم داشتی، نسبت به مردم خدمت کند. ۲- راست‌گویی و صداقت نسبت به مردم در تمام موارد زندگی، ۳- حیا و پاکدامنی نسبت به تمام زشتی‌های شرعی و عرفی و ۴- خوش اخلاقی و خوش برخوردی با اهل و عیال خود. **مشکالات‌انوار، ص ۱۷۳**

تلخند

رژیم مهبونبستی زیر تیغ شمشیر یمنی– کارتونبست: حمزه حجاج/ اردن



داستان

به جزئیات دقت کن

معهده کردم، اما افاقه نکرد که نکرد...!

یه روز خاله‌خامباجی‌ها گرد هم جمع شده بودند و مثل نُقلِ مجلس بنده رو وسط گذاشته بودند و اندر بیماری بنده که خوب بشو نبود، اظهار نظر می‌کردند و همگی متفق‌القول شدند که فلان فوق تخصص، کارش بیسته و باید به اون مراجعه کنی... دکتر جدید تشخیص دادن باید بلافاصله از سسینوس‌های بنده عکس گرفته بشه و احتمالاً منژئته... که بنود.

یک روز که خسته و نالان به درگاه‌خداوند زار می‌زدم، رفیق جان گفت: «چرا پیش دکتر علفی نمی‌ری؟» گفتم: «دکتر علفی دیگه چی چی‌هه؟» عرض کرد که بالام جان منظور همون دکتر گیاهی وطب سنتی و امثالهُم هست، پس چهارنعل با رفیق جان به سوی تمام دکتر علفی‌های شهر رفتم.

دکتر مجربی با یک نگاه تشخیص داد که هیچی نیست و فقط شب‌ها کلاه بپوش...!

از طبابت دکتر طب سنتی کف کرده بودم و به مدت یک هفته از لخته خونی خبری نبود و داشتم کم کم بسه دکتر علفی ایمان می‌آوردم، که صبح علی‌الطولغ با دیدن یسه خلط خونی به غلط کردن

مریم علیپور

نویسنده



صبح جمعه در خواب ناز به سر می‌بردم که پهبوی متوجه شدم در آستانه خفه شدن هستم، با عجله توی سرویس پریدم و دیدم که بلمه... یه خلط خونی از گلوم بیرون اومد!

صدای جیغ و فریاد بنده کل اعضای خونه رو که در استراحت به سر می‌بردند، بیدار کرد!

در نتیجه تمام روزهای بعد تنها سؤالی که دوست وفامیل و آشنا و غریبه از بنده می‌پرسیدند، فقط یک چیز بود: «خلط خونی گлот خوب شد؟»

و من با چشم‌های پر اشک می‌گفتم: خیر!

در نتیجه اونا هم از آخرین اخبار علم پزشکی در درمان اخلاط خونی پرده برمی‌داشتند.

دکتر اول تشخیص دادن که فقط به سرما خوردگیه و چیز خاصی نیست.

کیسه دارو که تموم شد، دیدم نه تنها خوب نشد که بدتر هم شد.

دکتر گوارش بدون هیچ معاینه‌ای تأکید کرد که مشکل از معده است و قطعاً زخم معده دارم... ماه بعد رو هم صرف خوردن داروهای زخم

کتابچه سبز



در سوخته

بوی خوش می‌آید اینجا، عود و عنبر سوخته؟ یا که بیت‌الله را کاشانه و در سوخته؟ از چه خون می‌گرید این دیوار و در؟ یا رب مگر گلشن‌آل خلیل اینجا در آذر سوخته؟ خانه وحی از ملک یک‌باره شد در ازدحام اندرین غوغا مگر جبریل را پر سوخته؟ خانه زهر است اینجا، قتلگاہ محسن است آشیان قهرمان بدر و خبیر سوخته سینه زهر اشکسته، چهره‌اش نیلی شده مرتضی، خونین جگر قلب پیمبر، سوخته! بر حریم عقل کل، دیوانه‌ای زد آتشی کز غمش هر عاقلی را جان و پیکر سوخته خیمه‌گاه کربلا را آتش از اینجا زدند شد ز داغ محسن آخر کام اصغر، سوخته گر نمی‌کرد اشک چشمانت «حسان» امداد من می‌شد از آه من این اوراق دفتر، سوخته

حبيب چاپچيان

واعتصموا...

مسجد یکی، مناره یکی و اذان یکی است قبله یکی، کتاب یکی، آرم‌ان یکی است ما را به گرد کعبه، طوافی است مشترک یعنی قرار و مقصد این کاروان یکی است فرموده است: «واعتصموا...، لا تفرقوا!» راه نجات‌خواهی اگر ریسمان یکی است توحید حرف اول دین محمد است اسلام ناب در همه جای جهان یکی است مکر یهود عامل جنگ و جدایی است پس دشمن مقابل‌مان بی‌گمان یکی است ستی و شیعه فرق ندارد برای‌شان وقت بریدن سَرم‌ان، تیغ‌شان یکی است سادات، پیش‌اهل تسنن گرامی‌اند اکرام و احترام به این خاندان یکی است دشمن! دمسیسه تو به جایی نمی‌رسد تا آن زمان که رهبر بیدار‌مان یکی است

محمدصادق‌آنتشی

راه نرفته

دوستی نوجوان و والدین

مریم شهسواری

مشاور خانواده

هرقدر والدین احساس خوبی، مانند خودباوری و ویژگی‌های شخصیتی به نوجوان القا کنند، باز هم نوجوان نیاز دارد برای کسب هویت با دوستانش ارتباط داشته باشد، البته بدون افراط و تفریط! فدغدغه والدین در این حوزه بسیار بجا و حائز اهمیت است. برای اینکه دوست خوبی برای او باشید و بتوانید او را به درستی راهنمایی کنید، این راهکارها را در نظر بگیرید. نوجوان خود را همیشه در امور خانه و اظهارنظر هایش تأیید کنید و پس از تأیید نکات درست را متذکر شوید. با تثار عشق و محبت و وقت گذاشتن برای وی و تعیین حد و مرزها و تشویق او، داشتن استقلال فکری و روابط مثبت با همسالان را در وی تقویت کنید. با نوجوان به گرمی و محبت رفتار کنید تا سبب شود سلامت روان وی تضمین شده و اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی‌اش افزایش پیدا کند. احساساتی که نشان می‌دهید در همه زمینه‌ها کاملاً واقعی و مثبت باشد، در این صورت می‌توانید از نزدیک روی رفتار نوجوان نظارت داشته باشید و اعتماد وی را به دست بیاورید. تشویق کنید مستقل فکر کند؛ در این صورت او در برابر فشار ناسالم هم‌سالانش بیشتر مقاومت می‌کند. با دوستان فرزند آشنا باشید و گاهی آنها را دعوت کنید و با آنها گفت‌وگو کنید. دنیا را از دید نوجوانان ببینید و او را درک کنید. گاهی بدون قصد در شرایط پیش‌آمده، رفتار وی را تعبیر و تفسیر کنید بدون آنکه بدانید ناخواسته روح و روان او را تخریب کرده‌اید، مراقب باشید. آموزش مهارت نه گفتن را جدی بگیرید؛ نه گفتن به درخواست‌هایی از جانب دوستان که با ارزش‌ها و باورهای نوجوان‌تان سازگار نیست. به او معیار بدهید و او را با خصوصیات و ویژگی‌های دوست خوب و بد آشنا کنید. زمینه را برای دوستان تربیت یافته و معاشران مذهبی فراهم کنید؛ هنگام دوستی با افراد خوب و سالم به‌طور غیر مستقیم زمینه استمرار و ادامه دوستی آنان را فراهم کرده و از رفتارهای افراطی و تفریطی جلوگیری به عمل آورید.

سلامت

مشکل قابل حل

زهرا جولایی

کارشناس تغذیه

گاهی حس بی‌ارزشی و ناامیدی انسان را عذاب می‌دهد، انگیزه‌ای برای زندگی نیست و حس کلافگی و بی‌حوصلگی انسان را در مانده می‌کند. بداخلاق و خستگی و گاهی سردردهای مداوم همراه با بی‌خواهی و بی‌قراری روال زندگی را برهم می‌زنند؛ در واقع دیگر هیچ سرگرمی و تفریحی لذت‌بخش نیست. این حس‌های ناخوشایند، از حالت غیر معمول روحی خبر می‌دهند، اختلالی به نام «افسردگی»، افسردگی، بیماری مزمن روحی است که این روزها اغلب افراد، در مقاطع گوناگون زندگی آن را تجربه می‌کنند؛ پیر و جوان و زن و مرد نمی‌شناسد؛ اما به اعتقاد روان‌شناسان، زنان را بیش از مردان در معرض تهدید قرار می‌دهد. دوران‌های زندگی، نظیر بارداری، زایمان و یائسگی که با تغییرات هورمونی همراه هستند، برخی از دلایلی هستند که زنان را بیشتر مستعد این اختلال می‌کنند. در حالی که زن نقش مهم و کلیدی آرامش خانواده را بر عهده دارد، افسردگی و آشفتگی روحی او، موجب نابسامانی و ناامنی یک خانواده خواهد بود. پیش از آنکه به فکر درمان باشیم، باید به این نکته توجه داشت که افسردگی، آرام‌به‌تدریج ایجاد می‌شود. بنابراین، باید در همه بزنگاه‌های زندگی، با دقت و هوشیاری مواظب پیشامدها و اتفاقات باشیم تا تأثیر تدریجی آنها بر شخص، به اختلال تلخ افسردگی تبدیل نشود. با وجود این، اگر به هر دلیلی نشانه‌های فیزیکی و روانی افسردگی را احساس کردید، باید به دنبال راهکارهای جدی برای درمان آن باشید. بسته به علائم و شدت بیماری، درمان‌های گوناگونی را می‌توان شروع کرد. گاهی مسافرت خاص یا گفت‌وگوی دوستانه با یک دوست نزدیک و مطمئن، می‌تواند کمک‌کننده باشد و گاهی مراجعه به یک دکتر عمومی کافی است، اما بعضی اوقات مراجعه به یک متخصص روانشناس یا روانپزشک لازم است.

حسن ختام

دست نوازش

به ترس و شسوق، به غم و شسادی، به خون و اشک، به امید و ایمان، به دستانی که بر خاسته‌اند از خاک زمین قسم! اگر شما به ما نظر نکنید، دل‌مان سرزمین نخل‌های به خون نشسته و غنچه‌های بر شاخه شکسته است. شما اگر بر این دل غمبار و بر پیکر نخل‌های سوخته نظر نکنید، سرزمین دل‌مان هرگز سبز نخواهد شد.

اگر شما بر ما نظر نکنید، وجودمان همچون هوای مه‌آلود و خزان‌زده پاییز بارانی است؛ آقا جان! بیایید و در این کویر دل‌باغبانی کنید. بیایید که این روزها هزاران هزار دیده در فراق شما یعقوب‌وار می‌گریند و همه این هزاران هزار قطب با تماشای قامت شما بینا می‌شوند. ما در کنار دروازه دل‌های‌مان، شاخه گل‌های ارادت بسه دست گرفته و هر آینه منتظریم که چونان رسول اعظم (ص) که از مکه به مدینه‌النبی هجرت کرد، از مکه طلع کنی و به مدینه‌المهدی دل‌ها قدم بگذاری.

آقا جان بیایید که یلدا منتظران، سرشار از نور نیایش است و ذکر دانم‌شان این است که آیا هست که مضطرب‌ان را احابت کند و دست نوازش بر تارک دلخستگان کشد؟